

چوپان ۱۰۰۰!؟



معاون پشتیبانی وزیر آموزش و پرورش: کلیه مطالبات فرهنگیان تا پایان شهریور پرداخت می‌شود

وی افزود: حدود ۲۶۰ میلیارد تومان از مطالبات فرهنگیان در سال ۸۱ پرداخت نشده بود که ۱۴۰ میلیارد تومان این رقم بصورت تن‌خواه پرداخت شد و در حال حاضر ۱۱۸ میلیارد تومان از این مطالبات باقی‌مانده که امیدواریم با ارائه راهکارها و تعریف منابع خاص و تصویب دولت تمامی این مطالبات تا پایان شهریور ماه پرداخت شود.

معاون پشتیبانی وزیر آموزش و پرورش بر پرداخت سریعتر مطالبات از سوی دولت تاکید کرد

ایسنا: معاون پشتیبانی وزیر آموزش و پرورش کل مطالبات معوقه فرهنگیان را ۵۲۰ میلیارد تومان اعلام کرد و گفت: دولت ۵۰ میلیارد تومان را از منابع سال ۸۱ تامین کرده و هنوز ۴۷۰ میلیارد تومان از این مطالبه باقیست.

استاندار ایلام:

کلیه مطالبات فرهنگیان استان تا قبل از پایان آذرماه امسال پرداخت می‌شود

ایسنا: استاندار ایلام از پرداخت کلیه مطالبات فرهنگیان استان تا قبل از پایان آذرماه سال جاری خبر داد.

رئیس کمیته‌ی پیگیری مطالبات فرهنگیان در خانه ملت:

لایحه‌ی نظام هماهنگ پرداخت فرهنگیان تا ۱۵ آبان‌ماه به مجلس ارائه می‌شود

ایسنا: حمیدرضا حاجی‌بابایی نماینده‌ی مردم همدان در مجلس شورای اسلامی با بیان این مطلب گفت: با پیگیری‌های انجام شده توسط هیات مشترک دولت و مجلس، هیات دولت، سازمان و مدیریت و برنامه‌ریزی را موظف کرده که تا ۱۵ آبان‌ماه جاری لایحه‌ی نظام هماهنگ پرداخت فرهنگیان را به دولت ارائه کند. تا دولت با تصویب آن را به مجلس بفرستد. وی تاکید کرد: از سوی دیگر نمایندگان مجلس یک طرح دو فوریتی نظام هماهنگ پرداخت را آماده کرده‌بودند تا اوایل مهرماه به مجلس ارائه کنند. اما به دلیل این اقدام دولت مطرح کردن این طرح دو فوریتی را متوقف کردیم و تا ۱۵ آبان‌ماه صبر می‌کنیم.

سرپرست استانداری سمنان:

کلیه مطالبات فرهنگیان استان تا ۱۵ اسفند امسال پرداخت می‌شود

ایسنا: سرپرست استانداری سمنان گفت: کلیه مطالبات فرهنگیان استان تا ۱۵ اسفندماه امسال پرداخت می‌شود. به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران، محمدرضا حسن پور در جلسه شورای آموزش و پرورش استان سمنان افزود: در توزیع اعتبارات استان نیز فرهنگیان در لوبت قرار می‌گیرند.

رئیس سازمان آموزش و پرورش استان سمنان:

دو میلیارد تومان از مطالبات فرهنگیان استان تا پایان امسال پرداخت می‌شود

ایسنا: رئیس سازمان آموزش و پرورش استان سمنان اعلام کرد: مهم‌ترین مطالبات فرهنگیان استان، یارانه مسکن، کمک هزینه ازدواج، فوت و مطالبات جانبازان فرهنگی است که ۲ میلیارد تومان از این مطالبات تا پایان سال ۸۲ پرداخت خواهد شد.

معاون پارلمانی وزیر آموزش و پرورش: دولت با پرداخت بودجه ۸۵۰ میلیارد تومانی معوقه‌ها، مطالبات و افزایش حقوق فرهنگیان موافقت کرد

ایسنا: معاون حقوقی و پارلمانی وزیر آموزش و پرورش از موافقت دولت با پرداخت ۸۵۰ میلیارد تومان معوقه، مطالبه و افزایش حقوق فرهنگیان در پایه بودجه سال ۸۳ که از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به مجلس شورای اسلامی ارائه خواهد شد، خبر داد.

وزیر آموزش و پرورش خبر داد: مطالبات فرهنگیان تا پایان سال ۸۲ پرداخت می‌شود

ایسنا: مرتضی حاجی گفت: میزان مطالبات فرهنگیان روشن است، و اختلاف موجود در مورد نحوه‌ی تامین آن است؛ امیدواریم!!!!!! بر اساس وعده‌ای که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی داده تا پایان سال ۸۲ کلیه‌ی مطالبات فرهنگیان پرداخت شود.

دبیر کل کانون صنفی معلمان ایران از طرف دادگاه انقلاب احضار شد

قلم معلم: محمود بهشتی لنگرودی ضمن تایید این خبر گفت: براساس احضاریه‌ای که در تاریخ ۸۴/۱۰/۸۲ به وی تحویل گردیده است، قرار است در تاریخ ۸۲/۱۰/۱۸ جهت پاره‌ی توضیحات در شعبه‌ی ششم دادگاه انقلاب واقع در خیابان معلم حاضر شود. وی از دلیل این احضار اظهار بی‌اطلاعی کرد. لازم به ذکر است که محمد خاکساری (مدیرمسئول و صاحب امتیاز نشریه‌ی قلم معلم) نیز امروز (سه‌شنبه) توسط همین شعبه احضار گردیده است.

تنها ۶ درصد مراکز آموزشی بهم قابل استفاده است



ایسنا: معاون هماهنگی امور پرورشی و تربیت بدنی سازمان آموزش و پرورش استان کرمان گفت: ۵۰ میلیون ریال برای بازسازی منازل تخریبی بیمه شده فرهنگیان، بم، علاوه بر کمک دولت، از سوی بیمه پرداخت می‌شود.

مصطفوی افزود: همچنین ۳ میلیون تومان کمک بلاعوض به وراثت فرهنگیان باخته در زلزله بم از سوی بیمه اختصاص یافته است و در صورت بی‌سرپرست بودن فرزندان معلمان متوفی، مبلغ مذکور به آنها نیز پرداخت می‌شود.

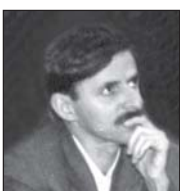
وی با بیان این که این پرداختها بر اساس فرمهای تکمیل شده از سوی فرهنگیان صورت می‌گیرد، اظهار داشت: از ۲۸۴ آموزشگاه شهر بم، تنها ۱۸ آموزشگاه قابل استفاده است؛ بر این اساس تخمین اعتبارات مورد نیاز برای بازسازی مدارس تخریب شده

برای هزارمین بار معاون پشتیبانی وزیر آموزش و پرورش از پرداخت کلیه مطالبات فرهنگیان تا پایان سال خبر داد!!!!

ایسنا: معاون پشتیبانی وزیر آموزش و پرورش گفت: بر اساس سیاست کلان کوچک سازی بدنه دولت، ساختار و تشکیلات آموزش و پرورش نیز با کار کارشناسی تا ماه آینده متحول می‌شود. شهاب‌الدین غندالی افزود: آموزش و پرورش دارای یک هزار و اداره است که بر اساس نظر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی این رقم باید به اداره کاهش یابد. وی افزود: البته هنوز این مساله تصویب نشده و در حال حاضر مراحل کارشناسی را طی می‌کند. به گفته‌ی وی، همچنین پیشنهاد شده معاونت وزارت آموزش و پرورش به معاونت کاهش یابد. معاون نظرات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و همچنین مطالعات و بررسیهای وزارت آموزش و پرورش به شورای تحول اداره سازمان مدیریت ارایه میشود و در نهایت با نظر این شورا ساختار این نهاد تغییر خواهد کرد. غندالی درباره کاهش نیروی انسانی در وزارت آموزش و پرورش گفت: کاهش نیروی انسانی منوط به کوچک شدن بدنه آموزش و پرورش است که در این صورت بطور یقین نیروی انسانی مازاد به بخش آموزشی منتقل می‌شود. وی همچنین با اشاره به مصوبه اخیر

مدیرکل تعاون وزارت آموزش و پرورش از واگذاری ۵ هزار واحد مسکونی تا پایان سال جاری به فرهنگیان خبر داد و گفت: این واحدها بتدریج در اختیار فرهنگیان قرار می‌گیرد. خلیل بابالو در گفت و گو با خبرنگار آموزش و پرورش "خبرگزاری دانشجویان ایران" با بیان این که در حال حاضر ۳۰ هزار واحد مسکونی فرهنگیان نیز در استانهای کشور در دست احداث است، افزود: واحدهای مسکونی از طریق تعاونیهای مسکن و صندوق مسکن فرهنگیان، اداره کل تعاون و ... ساخته شده و به ترتیب اولویتهای خاصی در اختیار فرهنگیان قرار می‌گیرد. وی سنوات خدمت، زوجین فرهنگی، زنان فرهنگی سرپرست خانوار را به ترتیب از اولویتهای واگذاری مسکن عنوان کرد و گفت: ایشارگران، تعداد افراد تحت تکفل و فرهنگیان مجرد به ترتیب از سایر اولویتهای دیگر واگذاری مسکن به فرهنگیان است. بابالو دریابان ابراز امیدواری کرد که بزودی حدود ۴۰ میلیارد تومان وام مسکن نیز با همکاری بانک مرکزی و بانک ملی در اختیار فرهنگیان قرار گیرد.

مدارس اجاره داده می‌شوند



توسط وزارتخانه اعلام شده است. واریز کند. بهشتی با تاکید بر این که وزارت آموزش و پرورش در عمل نشان داده است که توانایی انجام اصل سی قانون اساسی - که ارائه خدمات آموزشی به طور رایگان تا پایان دوره متوسطه است - را ندارد، افزود: وزارت آموزش و پرورش در حال خصوصی سازی بین ۱۰ تا ۲۰ درصد مدارس کشور است و بر این اساس مبلغی در حدود ۱۲۰ هزار تومان که سرانه هر دانش آموز است، با توجه به تعداد دانش آموزان مدارس، در سه قسمت به مدیر مدرسه پرداخت می‌شود. همچنین تمام امور مالی معلمان نیز با خصوصی سازی مدارس برعهده مدیر مدرسه خواهد بود. وی با تاکید بر این که در خصوص سازی مدارس امنیت شغلی فرهنگیان به خطر می‌افتد، افزود: بر اساس قرار دادی که با مدیران مدارس بسته می‌شود، مدیر مدرسه می‌تواند ۲۰ درصد از نیروهای مدارس را با توجه به صلاحدید خود از خارج از وزارتخانه تامین کند و این مورد خصوصا برای معلمانی که اهل انتقاد هستند مشکل ایجاد می‌کند.

۵ هزار واحد مسکونی تا پایان سال جاری به فرهنگیان واگذار می‌شود!!!!!!



مدیرکل تعاون وزارت آموزش و پرورش از واگذاری ۵ هزار واحد مسکونی تا پایان سال جاری به فرهنگیان خبر داد و گفت: این واحدها بتدریج در اختیار فرهنگیان قرار می‌گیرد. خلیل بابالو در گفت و گو با خبرنگار آموزش و پرورش "خبرگزاری دانشجویان ایران" با بیان این که در حال حاضر ۳۰ هزار واحد مسکونی فرهنگیان نیز در استانهای کشور در دست احداث است، افزود: واحدهای مسکونی از طریق تعاونیهای مسکن و صندوق مسکن فرهنگیان، اداره کل تعاون و ... ساخته شده و به ترتیب اولویتهای خاصی در اختیار فرهنگیان قرار می‌گیرد. وی سنوات خدمت، زوجین فرهنگی، زنان فرهنگی سرپرست خانوار را به ترتیب از اولویتهای واگذاری مسکن عنوان کرد و گفت: ایشارگران، تعداد افراد تحت تکفل و فرهنگیان مجرد به ترتیب از سایر اولویتهای دیگر واگذاری مسکن به فرهنگیان است. بابالو دریابان ابراز امیدواری کرد که بزودی حدود ۴۰ میلیارد تومان وام مسکن نیز با همکاری بانک مرکزی و بانک ملی در اختیار فرهنگیان قرار گیرد.

مهر: دبیر کانون صنفی معلمان ایران گفت: بر اساس قرار داد خصوصی سازی که با مدیران مدارس بسته می‌شود، مدیر مدرسه می‌تواند در ساعاتی که کلاس درسی در مدرسه برگزار نمی‌شود، مدرسه را به گروههایی که کارهای فرهنگی انجام می‌دهند اجاره دهد و هزینه دریافتی از اجاره را صرف امور مدرسه کند.

محمود بهشتی لنگرودی در گفتگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری مهر با تاکید بر این که وزارت آموزش و پرورش کنترلی بر زیرمجموعه خود ندارد، افزود: در خصوصی سازی مدارس تضمینی وجود ندارد که مدیر مدرسه از والدین به غیر از سرانه دانش آموزی مبلغی دریافت کند.

وی با اشاره به این که وزارت آموزش و پرورش دو پهلو عمل می‌کند، گفت: علیرغم این که هر سال هنگام ثبت نام دانش آموزان بخشنامه‌هایی مبنی بر دریافت نکردن وجهی جهت ثبت نام، به مدارس ارسال می‌شود، ضمن اینکه شاهد شکایت های والدین از دریافت مبالغی جهت ثبت نام فرزندانشان هستیم، بخشنامه‌هایی نیز به مدارس ارسال می‌شود که بر اساس آنها مدیر مدرسه موظف می‌شود مبلغی را که از مردم جهت ثبت نام دریافت کرده را به شماره حساب هایی که

حدود ۸ هزار دانش آموز ۲ و ۳ هزار معلم در فاجعه بم جان باخته‌اند



ایسنا: شهاب‌الدین غندالی گفت: حدود ۹۰ درصد مدارس شهرستان بم نیز در زلزله تخریب شده است.

وی افزود: آموزش و پرورش پس از وقوع فاجعه بم، ستاد رسیدگی به امور فرهنگیان و دانش آموزان در شهرستان بم را تشکیل داده و بخشنامه‌هایی را برای کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان به مدارس سراسر کشور صادر کرده است.

مسئول ستاد رسیدگی به امور فرهنگیان و دانش آموزان شهرستان بم، افزود: مدارس سراسر کشور طی بخشنامه‌ای موظف به ثبت نام بی‌قید و شرط دانش آموزان زلزله‌زده بم حتی فاقدین مدارک یا بدون سرپرست هستند.

غندالی با اشاره به این که اولویت ثبت نام دانش آموزان در مدارس شبانه‌روزی است، افزود: به محض این که دانش آموزان تحت پوشش وزارت آموزش و پرورش قرار گیرند، اقدامات لازم برای بهبود وضعیت روحی و روانی آنان با استفاده از مشاوران مجرب صورت می‌گیرد.

وی تصریح کرد: وزارت آموزش و پرورش همچنین به منظور رفع نیازهای اولیه فرهنگیان مبلغی را توسط مرکز مستقر در شهرستان بم به فرهنگیان در قید حیات اعطاء می‌کند.

غندالی گفت: مدارس کشور نیز طی بخشنامه‌ای موظف به جمع‌آوری کمکهای مردمی هستند که در چند روز گذشته حدود ۱۲۰ کمپون کمکهای اهدایی توسط وزارت آموزش و پرورش جمع‌آوری و به شهرستان بم ارسال شده است.

نیشقلی -

نیشگون به سخنان مسؤولان در شماره‌های گذشته‌ی "قلم معلم"

ع-س - ارومیه



"قلم معلم شماره ۳":

دبیر کانون صنفی معلمان: طرح نظام ویژه فرهنگیان تا پایان آبان‌ماه به دولت می‌رود.

نیشقلی - (اما کدام آبان‌ماه خدا می‌داند.

حاجی وزیر آپ: آموزش و پرورش از این پس بدون کسری دیده می‌شود.

نیشقلی - ماشاء...! پگوپید نظر نغورد.

مدیر دفتر بهداشت و تغذیه: دانش آموزان ابتدایی، ماهانه ۱۴ لیتر شیر رایگان می‌خورند.

نیشقلی - حالا دیگه نوبت وعده به دانش آموزان معصوم است. سال گذشته برخی مدارس پول هم گرفتند، اما شیر ندادند!
"قلم معلم شماره ۵":

معاون پشتیبانی آپ: معلمان باید مدیران مدارس را انتخاب کنند؟

نیشقلی - چه کسی باید وزیر و معاونان را انتخاب کند؟! چرا انتخاب مدیران، فرمایشیه و فرمایشیه شد؟ وزیر آپ: معلمان برای اعزام به حج از مرخصی استحقاقی استفاده می‌کنند.

نیشقلی - پس نه! اول غیبت کنند، بعداً علت غیبت پیاورند!
"قلم معلم شماره ۳":

رئیس نوسازی مدارس: عوارض ساخت فضای آموزشی از مجتمع سازان گرفته شود.

نیشقلی - یعنی باز کاسه‌ی گدایی؟

تکرار: رئیس نوسازی مدارس: عوارض ساخت فضای آموزشی از مجتمع سازان گرفته شود.

نیشقلی - ... و بودجه‌ی ساخت مدارس افغانستان و عراق و هرگز گویند و ... از بودجه‌ی رسمی کشور!

مدیر عامل صندوق ذخیره فرهنگیان: بانک فرهنگیان با نام سرمایه و دانش راه‌اندازی می‌شود.

نیشقلی - مگر نام فرهنگیان چه عیبی دارد که روی بانک نمی‌گذارید؟! تازه، سرمایه و دانش، هیچ وقت یک جا جمع نمی‌شوند. (این دو راهشان از هم جداست و در کشور ما پا هم نمی‌سازند!)

معاون پشتیبانی: ادارات اضافی حذف می‌شوند.

نیشقلی - آدم‌های اضافی چطور؟! **"قلم معلم شماره ۶":**

کارشناس آموزشی: پرسش‌های کلیشه‌ای امتحانات با هدف و نظر آموزش و پرورش مغایرت دارد.

نیشقلی - وعده‌های کلیشه‌ای چه طور؟! حمایت کلیشه‌ای از مدیر چه طور؟! **"قلم معلم شماره ۶":**

معاون وزیر: دانش آموز معترض نباید سرزنش شود.

نیشقلی - (اما معلم معترض، اگر در خیابان جلوی چشم مردم پاهوم یغورد و پا دستبند به زندان پرده شود، عیبی ندارد!)

مدیرکل امور بانوان: طرح متناسب سازی مدارس دخترانه دستخوش حرکت‌های جناحی شده است.
- نگران نباش، تمام زندگی ما دستخوش این حرکت‌ها شده است.

قضاوت با شما

فیش حقوقی ماهانه‌ی یکی از کارمندان شرکت ملی گاز ایران با مدرک دیپلم

ردیف	شرح	مقدار عددی/صفتی	توضیحات
۱	حقوق	۳۶۰۳۷۰	حقوق معترضه
۲	حقوق اعزازی جانبی	۳۳۱۵۸۶	
۳	حقوق اعزازی ...	۳۱۹۰۳۱	
۴	حقوق اعزازی کارکنانی	۳۶۰۳۷۰	
۵	حقوق اعزازی ویزه	۷۸۰۸۱۰	
۶	حقوق اعزازی اضافه کار کارکنان	۱۴۰۳۳۳	
۷	حقوق اعزازی ...	۵۰۳۳۳۳	
۸	حقوق اعزازی جانبی سببجان	۳۳۳۳۸	
۹	منابع ثابت حقوق اعزازی جانبی	۳۳۳۳۳	
۱۰	کمک هزینه مسکن	۳۳۳۳۳	
۱۱	کمک هزینه معوقه معطله و معسر	۳۳۳۳۳	
۱۲	کمک هزینه سفر اولاد	۳۳۳۳۳	
۱۳	یارانه بی‌بطالت انوروس	۳۳۳۳۳	
۱۴	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۱۵	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۱۶	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۱۷	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۱۸	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۱۹	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۲۰	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۲۱	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۲۲	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۲۳	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۲۴	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۲۵	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۲۶	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۲۷	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۲۸	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۲۹	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۳۰	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۳۱	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۳۲	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۳۳	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۳۴	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۳۵	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۳۶	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۳۷	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۳۸	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۳۹	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۴۰	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۴۱	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۴۲	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۴۳	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۴۴	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۴۵	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۴۶	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۴۷	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۴۸	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۴۹	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۵۰	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۵۱	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۵۲	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۵۳	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۵۴	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۵۵	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۵۶	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۵۷	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۵۸	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۵۹	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۶۰	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۶۱	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۶۲	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۶۳	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۶۴	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۶۵	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۶۶	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۶۷	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۶۸	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۶۹	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۷۰	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۷۱	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۷۲	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۷۳	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۷۴	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۷۵	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۷۶	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۷۷	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۷۸	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۷۹	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۸۰	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۸۱	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۸۲	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۸۳	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۸۴	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۸۵	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۸۶	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۸۷	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۸۸	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۸۹	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۹۰	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۹۱	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۹۲	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۹۳	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۹۴	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۹۵	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۹۶	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۹۷	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۹۸	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۹۹	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	
۱۰۰	یارانه مسکن کارکنان	۳۳۳۳۳	

نوش جان و گوآرای وجود

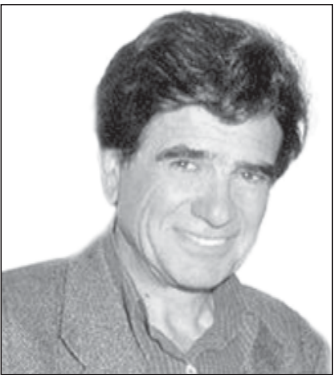


شیخ المعلمان محمد حسن عبدالعلی ریاست محترم منطقه ۴ تهران به دلیل شرکت یکی از معلمان در مراسم روز ۱۳ مهر روز جهانی معلم حکم

خبر



گفت وگو با استاد ”محمد رضا شجریان“ درباره‌ی اجرای کنسرت به نفع ”زلزله زدگان“ و ”زنده‌یاد ”ایرج بسطامی“



استاد محمدرضا شجریان، لازمه‌ی برگزاری کنسرت به نفع زلزله‌زدگان را استفاده از سالن بزرگ کشور برای این منظور ذکر کرد. استاد محمدرضا شجریان افزود: اگر این سالن در اختیار ما قرار گیرد تا دو هفته‌ی دیگر کنسرت را برگزار خواهیم کرد.

وی در پاسخ به این که چه قطعاتی را برای این کنسرت در نظر گرفته‌است، گفت: برخی از قطعات قدیم را اجرا می‌کنیم، چون قطعات جدید به این زودی آماده نمی‌شود.

استاد محمدرضا شجریان همچنین، با گرمای داشت یاد و نام مرحوم ایرج بسطامی – که صدای ماندگارش برای همیشه در حادثهٔ تلخ زلزله بم خاموش شد، ابراز داشت: بسطامی، از موسیقیدانانی بود که سال‌های سال با علاقمندی کار کرد. او دوره‌ی عالی را نیمه تمام گذاشت و چندین سال به دلیل مشکلاتی که داشت از هدفش عقب افتاد اما تا مشکلات او حل شد دوباره به موسیقی بازگشت. استاد شجریان گفت: ”شادروان بسطامی“ در سال‌های اخیر پیشرفت خوبی در موسیقی کرده بود تا این که آن حادثه‌ی تلخ رخ داد. گفتنی‌است که شادروان بسطامی از سال ۵۹ تا ۶۳ شاگرد محمد رضا شجریان بوده‌است. وی در عین حال، وظیفه هنرمندان را در خصوص مسائلی چون این زلزله‌ی تلخ سنگین خواند و یادآور شد که جامعه هنری در حد توان خود، در حال کمک به حادثه دیدگان است.

□□□

جلسه نکته‌های عرفانی در شعر حافظ برگزار می‌شود



ایسنا؛

نکته‌های عرفانی در شعر حافظ با سخنرانی حجت‌الاسلام دکتر علی شیخ الاسلامی برگزار می‌شود.

به دنبال سلسله سخنرانی‌های علمی فرهنگی موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی جلسه نکته‌های عرفانی در شعر حافظ با سخنرانی حجت‌الاسلام دکتر علی شیخ‌الاسلامی، عضو هیات علمی گروه ادبیات دانشگاه تهران، پنج شنبه ۱۸ دی‌ماه ساعت ۱۶ در محل موسسه برگزار خواهد شد.

□□□

خوانندگان عزیز ضمن سیاس از الطاف بیکران شما عزیزان نسبت به هفته نامه ی قلم معلم، خواهشمندیم جهت هر چه پر بار تر نمودن نشریه، پیشنهادات، انتقادات و نظرات خود را به آدرس نشریه ارسال نموده و یا ضمن تماس تلفنی با مسولان نشریه در میان بگذارید. باسپاس – قلم معلم

اشاره

در قرآن کریم داستان یوسف این گونه ختم می شود که: پس از این که یعقوب بوی پیراهن یوسف به مشامش رسید، بینایی خود را بازیافت. سپس برای دیدن فرزندان خود راهی مصر شد. یوسف در بزرگداشت پدر و خاله‌ی خود کوشید و آن‌ها را بر تخت خود بالا برد. یوسف دیگر به مقام بزرگی مصر رسیده بود.

اما ادامه داستان:

چندی نگذشت که عزیز مصر، شوهر

زلیخا درگذشت و بیوه‌ی او دچار بدبختی شد. تمام اموالش را از دست داد و از آن جایی که مال و مقام برای او نمانده بود دیگر کسی سراغ او را ننگرفت. آن شوکت و اقتدار و ایهت قدیم و غرور ناشی از آن مانع از این می‌شد که دست نیاز به دیگران دراز نماید. دیگر از دست بت‌ها هم کاری ساخته نبود. بنابر این بار سفر بست تا به یمن برود. زلیخا در یمن برادرانی داشت که سلطنت آن جا را داشتند. مدتی کنار برادران به احترام زندگی کرد. در این مدت هم چنان در حسرت رسیدن به یوسف روز و شب می‌گذراند تا این‌که جنگی پیش آمد و برادران که برای کارزار عازم شده بودند، بازنگشتند. دشمن بر آن‌ها چیره شد. کاخ را به تاراج و اهل آن‌را به اسارت برد. زلیخا از این مهلکه گریخت. بیچاره‌ی مال باخته، مرگ عزیزان دید. شوکت و دولت از کف داده. روزگار دراز در اندوه عشق یوسف گذراند. به یاد آورد هنگامی را که به یوسف گفته بود: اکنون که عزیز مصر از دست رفته مانعی در رسیدن به هم نداریم. یوسف پاسخ داده بود: به خدای یکتا ایمان بیآور و دست از پرستش بتان بشوی تا راه عشق الهی میان من و تو هموار گردد. و او از این کار ظفره رفته بود. دیگر پیر و ناتوان و نابینا شده بود. این رنج‌ها و ملامت‌ها باعث شد تا روزی در کار بت‌پرستیدن خویش اندیشه کند. به معبد رفت و روی به بت کرد و گفت: تو همیشه سود می‌کنی. برای هدیه می‌آورد، قربانی می‌کنند و… اما من، پرستنده‌ی تو، هر روز از روز قبل نگوں سارتر می‌شوم. او ناگهان رو به تمام بت‌ها کرده و فریاد زد: من از شما بی‌زار می‌گردم و با خود می‌گفت: ای کاش

□□□

داوطلب“ نوروز ۸۳، پخش می‌شود

فیلمبرداری “داوطلب”سریال سیزده قسمتی طنز جنگی به کارگردانی مسعود تکاور پایان یافت.

ایسنا: این مجموعه‌ی تلویزیونی که

توسط فیلم‌ها تهیه شده در قالب سیزده قسمت ۴۵ دقیقه‌ای پخش می‌شود. داستان این سریال، به قلم امیر حشمت‌زاده و مسعود تکاور، روایتگر زندگی پسری است که در خانواده‌ای متمول بزرگ شده و به خدمت سربازی اعزام می‌شود. او سعی می‌کند به هر طریقی که شده، از رفتن به جبهه فرار کند که از قضا طی آزمایشی متوجه می‌شود به سرطان خون مبتلاست، بنابراین تصمیم می‌گیرد به جبهه برود و قبل از اینکه بیماری او را از پای درآورد کشته شود. گفتنی‌است: فیلمبرداری این سریال از نازنین اول مهرماه، آغاز شده و حدود دوماه به طول انجامید.قسمت‌هایی از این سریال در تهران و قسمت‌هایی از آن در شهرک دفاع مقدس تصویربرداری شده‌است.

به گزارش ایسنا، مشاور فیلمنامه و کارگردانی: مسعود صباح، جلوه‌های ویژه: عباس شوقی، مدیره‌ی تولید و برنامه‌ریز: طاهر رجبی، گروه کارگردانی: علی صالحی،

□□

زمان و مکان اجرای تمامی کنسرت‌های موسیقی

به نفع زلزله‌زدگان

شهرام ناظری، سراج، ذوالفقون، ارکستر سمفونیک، محمد اصفهانی، محمد نوری ، مثنی رهنماو …

مدیر روابط عمومی مرکز موسیقی، زمان و مکان اجرای کنسرت‌های موسیقی به نفع زلزله‌زدگان را اعلام کرد.
مجدید باقی گفت: گروه‌ها، در قالب پاپ و سنتی و کلاسیک، کنسرت‌های خود را در سالن‌های میلاد و وحدت اجرا خواهند کرد. این برنامه‌ها،رلس ساعت ۳:۱۹آغاز می‌شود. وی، زمان اجرای گروه‌های موسیقی سنتی در تالار وحدت را به این ترتیب اعلام کرد:
ارکستر موسیقی ملی ۱۰، ۱۱، ۱۲ دی‌ماه
ارکستر سمفونیک ۱۳ دی‌ماه
گروه سراج ۱۴ دی‌ماه
حسین علیزاده و کیهان کلهر ۱۵ دی‌ماه
گروه شهنازی ۱۷ دی‌ماه
گروه کامکارها ۱۸ دی‌ماه
گروه وزیری ۱۹ دی‌ماه

باقی افزود: استاد ذوالفقون هم چنانچه به تنهایی اجرا داشته باشد ۱۵ دی‌ماه با علیزاده کنسرت می‌دهد و در صورت اجرای گروهی ۱۶ دی‌ماه اجرا خواهد داشت.

همچنین در صورت خالی ماندن ۱۶ دی‌ماه پورناظری به اجرای قطعات خود می‌پردازد.

ادب‌و هنر

یوسف وزلیخا

◆امیرهادی شنی



گشتم و از پرستشان پشیمانم، در حالی‌که قطره‌های اشک شوق گونه‌هایش را نمناک کرده بود، گفت: به خدای یوسف ایمان آوردم. آن‌گاه بت را بر زمین زد و روی به آسمان کرد و گفت: ای خدای یوسف، اگر گناه‌کار می‌پذیری، اکنون آماده‌م مرا ببذیر. اگر درد درماندگان را درمان می‌کنی، من درمآنده‌ام و بیچاره، چاره‌ام ساز. ای خدای یوسف، تو می‌دانی که من برای زیبایی بسیار کوشیده‌ام، اکنون زشت‌رویم و نابینا. به کسب مال جهد کردم، اکنون مستمندم، بسیار کید و حیلت به کار بردم و به مقصود نرسیدم. مرگ همه عزیزان دیدم و فراق خویش چشیدم. اکنون شهیدم که در باطن یوسف، یوسف دیگری است. بارخدا یا، مرا ببخشا و یوسف را به من بنما که او پیام‌آور توست، تا به پیام‌های او جانی تازه پلیم. زلیخا پیوسته در درگاه خداوند زاری می‌کرد. یازده‌سالگی بدین سان گذشت. تا این‌که تصمیم گرفت مجدداً به مصر بازگردد. مشقت درویشی و تنگ‌دستی و نابینایی و رنج سفر را به جان خرید و عازم مصر شد. اما یوسف که عزیز مصر شده و جلال و مرتبت یافته بود، گهگاه در دل، دیدار زلیخا طلب می‌کرد و با خود می‌گفت: ای کاش

□□□

محمود دولت‌آبادی:

بعد از سعدی، ادبیات با صادق هدایت آغاز شد

ایسنا:

جلسه نقد شعر و داستان، توسط کانون اندیشه جوان سپهری در دانشگاه کاشان، با حضور محمود دولت‌آبادی، امیرحسین چهلتن و جواد مجابی برگزار شد. محمود دولت‌آبادی - داستان نویس - با عنوان کردن این مطلب که ادبیات ما به‌طور جدی از هدایت آغاز شد، در ادامه گفت: زیستن یک نایفه در خانواده‌ای که همه به‌فکر ظاهر هستند، خود باعث نگاه طنزآمیز آن فرد می‌شود. بعد از سعدی ۵قرن ذلت در ادبیات را داریم و در واقع ادبیات بعد از هدایت جدی شد. تا پیش از هدایت نویسندگان دوره مشروطیت حرکت به سمت هیچ‌انگاری در ادبیات را دارند که این نحوه ادبیات نفی ادبیات است که قدری زبان‌بازی و بازی با ذهن و نه شخصیت و نه فضا و مناسبات انسانی در این آثار دیده می‌شود. ادامه این جلسه به پرسش و پاسخ اختصاص داشت؛ دولت‌آبادی در مورد زیبایی تصویر شخصیت‌های کلیدر و در مقابل گنگ بودن شخصیت‌های سلوک و اینکه دیگر فرصت خواندن رمان‌های ده جلدی نیست، گفت: اگر مرا به ۳۰ سال قبل برگردانید، بار دیگر کلیدر را می‌نویسم، نویسنده در هر دوره‌ای در حالی قرار می‌گیرد و کلیدر نیز محصول امید، عشق و آرمان است؛ ولی سلوک، روایت نامرادی عشق و آرمان است و این دو اثر به فاصله ۲۰ سال نگاهشته شده‌است. در این فاصله، روزگار سپری شده مردم سالخورده وجود دارد. نویسنده اگر بخواهد خود را در قالبی معین حبس کند، به گمانم تمام شده‌است. سلوک پایان سیری است که هم نویسنده داشته و هم ادبیات و هم ادبیات تاریخ معاصر ما، از روشنایی و رنگ و نوری که در کلیدر هست، به تیرگی می‌گراید.

جواد مجابی نیز در مورد طنز در ادبیات ایران اظهار داشت: پس از آمدن اعراب به ایران، هجو در ادبیات مرسوم پیدا کرد و آنچه از طنزاینک وجود دارد، از قرن ۴ هجری است که ما در شعرهای طنزآمیز داریم؛ از رودکی تا سنایی و هجو را در کلیه کارهای شعرا می‌بینیم که این امر در انوری به اوج رسیده؛ تا حدی که کل کتاب سوزنی سمرقندی هجو است. وی در تعریف هجو گفت: هجو با بدگویی یا نیش زدن به قصد تمسخر دیگران کلام را می‌سازد و در آخر به ستارگان و خورشید هم ناسزا می‌گوید. در قرن ۶ سنایی بعد از هجو به این نتیجه می‌رسد که ما با تحقیر و تمسخر به جایی نمی‌رسیم؛ بلکه باید به طنز بپردازیم. هیچ هنرمندی در زمینه

سفید یوسف می‌مالید، گفت: بزرگ است خدایی که بنده را به عز طاعت عزیز کرد و پادشاهان را به ذل معصیت ذلیل. پس یوسف دریافت که وی به خدای یکتا ایمان آورده‌است. آن‌گاه گفت: ای یوسف، مرا به سرای خود دعوت کن که با تو سخن‌ها دارم. یوسف دستور داد تا او را به کاخ بردند. پس از پذیرایی و استحمام و استراحت، وی را نزد یوسف حاضر کردند. چون کنار یوسف رسید گفت: بدان که من به خدای تو ایمان آوردم و به یگانگی او گواهی می‌دهم. یوسف گفت: بسی مایه‌ی خوش‌وقتی است. سپس زلیخا ادامه داد: اکنون از تو سه حاجت دارم. اول این‌که نزد خداوند شفاعت کن تا بینایی مرا بازیگراند. یوسف دعا کرد و چشمان زلیخا بینا شد. پس سجده‌ی شکر به جای آورد و از این که مجدداً یوسف را می‌دید بسیار مشعوف شد. دوم این‌که از خداوند بخواه تا جمال مرا به من باز دهد، یوسف دعا کرد و چنان که خواست شد. آن چنان زیبا که در جوانی بود. سوم آن‌که مرا به زنی بخوان. یوسف که پیش از این طعم رنج حاصل از فراموشی خدا را در زندان چشیده بود ترسید که با این‌کار باز یاد خدا دور گردد. بنابراین از این خواهش سر باز زد. تا این‌که جبرئیل نزد یوسف آمده و گفت: تاکنون زلیخا به حیله و مکر تو را می‌خواست. لاجرم به تو نمی‌رسید. اکنون که تو را از ما خواسته و به سبب تو ما با آشتی کرده، درخواست او را روا کن. یوسف به فرمان خداوند او را به ازدواج خویش درآورد. سپس رو به او کرد و گفت: آیا به این صورت بهتر نبود که تو به خواسته‌ی خویشرسی؟ زلیخا گفت: سر مرزش مکن، من زن جوان و زبایی بودم و فریفته‌ی جمال و کمال ظاهری خداداد تو شدم و هوای نفس بر من غالب شد. پس یوسف و زلیخا جشنی بر پا نمودند و با هم عروسی کردند. از آن‌ها دو پسر به نام‌های افراهم و میشا متولد گشت. آن‌ها مدتی زندگانی را با هم گذراندند تا سرانجام به جوار رحمت الهی رسیدند. نوشته‌اند تابوت یوسف را در کنار رود نیل برای برکت مصر دفن کرده‌اند.

(بازنویسی از “تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید” اثر خواجه عبدا… انصاری)

□□□

۵

شعر

بگو که صبح می‌آید

◆علی‌اکبر باغانی - دبیر منطقه ۷ تهران

معلم نام تو آلوده‌ی فقر است
و قلب مهربان تو، نشان از ضجرت و درد است
معلم بند را بگسل
که فریاد تو فریاد است
قد موزون آزادت
نشان سرو شمشاد است
معلم بشکن این بعض گلوگیر زمان را
و سکوت درد و حرمان را
زمان آیستن تزویرهای خودفروشان است
و جام شوکران در دست سقراطی که بی‌نام است

توای صدای اندیشه
وای سنایی آزادی
ای عین‌اللغات شمع آجین
کنون وقت است تا کوله‌های فقر از خود براندازی
سپاه صبح در پیش است
از این شب خفتگان بگذر
از این شب خفتگان جهل
و فریادی برآور از گلو
تا خواب این سنگین بناگوشان بهم ریزد

معلم ای ز انسان هم تو انسان تر
که در وادی صبر و علم
شراب عشق را در کاسه‌ی دل‌ها رها کردی
ز انگور تعلم در کف جان‌ها تو افشردی
تو نوشاندی
و خود در کوچه‌ی نامهربانی بی‌کس و بی‌یار، افسردی
معلم نام تو آلوده‌ی فقر است
دربغ و درد نامت را به نام فقر سنجدیند
بگو، بشکن، برآور از گلو اوج تمنا را
بگو مستغنی از هر گونه آب و نام و نامم من
بگو من بند بگسسته‌ز رنگ دانه و دامم
بگو که صبح می‌آید
بگو که صبح می‌آید
به همراه سپاه نور
از کشور خورشید

□□□

هدیه بم

◆علی‌اکبر نشوه(نستوه)



ای بی‌خبران از غضب یار بترسید
از هیزم اعمال خود، از نار بترسید
جز یار کسی محرم اسرار نهبان نیست
از گفتن آبتن قصبه به اغیار بترسید
خورشید یک پسر پرده نهبان است، ببینید
یک سوز زده خودبینی، از انکار بترسید
با خدعه، ریاست نتوان کرد، بر احرار
شاید که ز بیداری افکار بترسید
عادل نکند هیچ سنجدینه قضاوت
از محکمه و محضر دادار بترسید
زیرک ندهد دل به دل شایعه سازان
از خوردن این آتش بسیار بترسید
غیبت ثمر عجز زبون است، ببندید
دهان را، از خوردن مردار بترسید
گنجینه‌ی “بم” در صدف خاک نهبان شد
از غارت این در گهبرای بترسید
اموال یتیمان نبود گنج و غنیمت
از خوردن این آتش بسیار بترسید
زنهار به یغما نبری “هدیه‌ی بم” را
این طعمه به زودی شود آوار بترسید
”ستوه” نزد دست به کاری که نشاید
از دوزخ و از عاقبت کار بترسید

□□□

معلم

بهمان تمجیدی
دانش‌آموز دوم راهنمایی-
مدرسه میعاد نور
معلم بود سپاه‌اش بر سرم
که در خدمت او بسی کم‌ترم
معلم درخشد چو خورشید و ماه
چو شمس و قمر باشد و اخترم
بیاموزد او دین و دانش به ما
به فرماندهی باشد او افسرم
بود روز او روز جشن و سرور
بود چون نیکینی بر انگشترم
خدایش دهد اجر و مزد و ثواب
به گفتار زیبایی پیغمبرم

◆**شاخه کلی از گلستان سعدی**

یکی از شاعران، پیش‌امیر زندان رفت و تنائی
بر او بگفت، فرمود تا جامه‌از او بکنند و از ده بیرون
کنند. مسکین، برهنه به سرما همی رفت. سگان به دنبال وی افتادند. خواست تا سنگی بردارد و سگان را دفع کند. زمین بیخ گرفته بود. عاجز شد. گفت: این چه …… زاده مردمان‌اند؛ سنگ را بسته‌اند و سگ را گشاده!

امیر از دور بدید و بشنید و بختدید و گفت:
آی حکیم، از من چیزی بخواه”
گفت: “جامه‌ی خود می‌خواهم اگر انعام فرمایی”
امیدوار بود آدمی به خیر کسان
مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان

واژه‌نامه

انتخابات

انتخابات در حقوق اساسی، بدون قید خاص و به صورت مطلق، مقصود انتخابات و کلای مجلس می‌باشد. به عبارت دیگر چنانچه کلمه "انتخابات" به تنهایی به صورت عام میان باشد، هدف انتخابات نمایندگان مجلس می‌باشد.

انواع انتخابات:

۱) "انتخابات اجباری": شیوه‌ای از انتخابات است که در آن اقدام فرد به انتخاب نماینده‌ی مجلس، تکلیف قانونی است و متخلف از آن مجازات می‌شود.

۲) "انتخابات اختیاری": شیوه‌ای که در آن، رأی دادن به نماینده‌ی مجلس و اقدام به انتخاب او برای افراد جامعه، حق است نه تکلیف.

۳) انتخابات به اکثریت آرا: اکثریت آراء تعداد نمایندگان را معین خواهد کرد و اقلیت دارای نماینده نخواهند بود. در مقابل انتخابات تناسبی به کار برده می‌شود.

۴) "انتخابات تناسبی": شیوه‌ای که درآن، تقسیم نمایندگان مجلس بین احزاب سیاسی به تناسب آرای گرفته شده است و در نتیجه حزبی که آرای او در اقلیت است محروم از داشتن صندلی در مجلس است.

۵) "انتخابات جمعی": هرگاه در هر حوزه چند نفر نماینده معین شوند و هر انتخاب‌کننده به عده‌ای که در جدول قانون انتخابات منظور گردیده است رای دهد این سیستم را انتخابات جمعی می‌گویند.

۶) "انتخابات دو درجه": یا انتخابات غیر مستقیم، اگر رأی دهندگان از میان خود چند نفر واجد شرایط را انتخاب کنند که آنان از میان خویش یا از خارج چند نفر نماینده‌ی مجلس را انتخاب کنند این را انتخابات دو درجه‌ای می‌گویند.

۷) "انتخابات صنفی": هر گاه در هر حوزه‌ی انتخابیه اشخاصی که صنف یا طبقه معینی را تشکیل می‌دهند حق تعیین نماینده را داشته باشند این شیوه را انتخابات صنفی یا طبقاتی می‌گویند.

۸) "انتخابات عمومی": شیوه‌ای که در آن کشور به چند حوزه‌ی انتخابیه تقسیم می‌شود و در هر حوزه، افراد، اشخاص واجد شرایط خود را انتخاب می‌کنند.

۹) "انتخابات فردی": هرگاه در هر حوزه‌ی انتخابیاتی فقط یک نامزد نمایندگی معین شود و هر فردی فقط به یک نفر رأی دهد این طریقه را انتخابات فردی می‌نامند.

۱۰) "انتخابات پنجه‌ای": که انتخابات مستقیم نیز نامیده می‌شود. در این نوع از انتخابات رأی دهندگان بدون واسطه نمایندگان مجلس را انتخاب می‌کنند.

(دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق)

نگرشی بر توسعه و توسعه نیافتگی

♦ محمد برفی

انسان‌ها نسبت به یکدیگر دست تجاوز و ستم دراز کرده و می‌کنند که در این میان بعضی مغلوب بعضی دیگر می‌گردند و زمانی که قومی مغلوب دیگری واقع گردد در خود احساس حقارت می‌کند و به ارزش‌های فرهنگی خویش نیز بد بین می‌شود و نسبت به قوم غالب و ارزش‌های موجود در جامعه‌ای آن با دید احترام و تعظیم می‌نگرد و از آن‌جا که قوم غالب هیچ‌وقت نمی‌خواهد قوم مغلوب آن قد علم کند، به هیچ وجه حاضر نمی‌شود که اصول اساسی پیشرفت را به قوم مغلوب ببخشد و آن‌را با کرم خویش بنوازد. این حال زار قوم مغلوب است که با بیگانگی به هویت اصلی خویش و تقلید به دور از هر گونه منطق انسانی، قربانی تجارزها می‌شود. داستان استکبار و استضعاف امروزی نیست، بردگی بعضی از انسان‌ها توسط بعضی دیگر داستانی طولانی دارد به طوری که تاریخ انبیا همه از مبارزه در جهت رهایی انسان از بردگی انسان‌های طاغوت‌صفت است. واقعیت غیرقابل انکاری است که در حیات انسان‌ها پویه و تاریخ خبر از دو گروه مترفین و مستضعفین، انسان‌های آزاد و غلام، جوامع پیشرفته و عقب‌مانده، جوامع توسعه‌یافته و جوامع توسعه نیافته، می‌دهد. و امروز نیز سردرگمی‌ها و بیگانگی جوانان، عزت گزینی اغلب تجربه‌دیدگان، سرخوردگی مردان اهل نظر و زور گویی صحابیان زر و زور و تزویر در درون جوامع خصوصا جهان سوم خبر از این واقعیت می‌دهند. حال باید دید مشکل کجاست و چه عواملی سبب بروز این نابرابری در جوامع انسانی می‌شود؟ و چگونه می‌شود آن‌را کنترل کرد و در جهت تعدیل آن گام برداشت؟ در طول تاریخ بعضی نابرابری‌های اجتماعی را زاده‌ی نابرابری‌های طبیعی دانسته و وجود نابرابری را در حالت اجتماعی لازم می‌دانند و تخلف از آن را غیرممکن و بعضی دیگر زاده‌ی شرایط و روابط اجتماعی می‌دانند که ایشان آن‌را به وجود آورده و بر دیگر هم‌نوعان خود تحميل کرده است. که می‌شود آن‌را تعدیل یا شدت بخشد. در واقع باید گفت که اگر چه نابرابری امری طبیعی نیست، اما نشأت گرفته از طبیعت حیوانی انسان است که در اثر روابط اجتماعی کنترل نشده بروز می‌کند. تا به حال نظریه‌های مختلفی ارائه شده است، سخنی از دوست و دردمند و سخنی از دشمن غالب، صفحه‌ها سیاه شده است اما عمل هیچ، اکثرا سخن از یاری جوامع مدرن نسبت به جوامع عقب مانده زده‌اند اما در عمل چیزی جز غارت مشاهده نشده است. نظریه وابستگی دست استعمار را مطرح کرد. نظریه نوسازی گفت: تا عمل درونی فرهنگ این کشورها بد است، آب و هوای نامساعد دارند، حکومت ستمگر دارند نظریه‌ی توسعه مطرح شد. گفت: چرا عامل خارجی یا داخلی هر دو مؤثرند. ترکیب جمعیت، غلبه‌ی بخش کشاورزی، فقر، فرهنگ بد، مدیریت بد عامل این عقب‌ماندگی است.

هم‌رنگی با جماعت چیست؟

هم‌رنگی را می‌توان تغییری در رفتار یا عقاید شخص و در نتیجه اعمال فشار واقعی یا خیالی از طرف فرد دیگر یا گروهی از مردم تعریف کرد. دربارهی هم‌رنگی چند سؤال می‌توان مطرح کرد.

۱- چه عواملی سبب می‌شود که مردم به فشار گروه تن دردهند؟

۲- ماهیت فشار گروهی چیست؟

اگر تغییر عقیده‌ای در فرد رخ دهد ثابت و پایدار خواهد بود یا موقت و گذرا، مردم برای هم‌رنگی دو هدف مهم دارند. یکی درستی اعمال و افکار و دیگری داشتن روابط دوستانه با مردم از طریق رفتار مطابق انتظار آنان.

عواملی که سبب افزایش یا کاهش هم‌رنگی می‌شوند:

دو عامل مهم در هم‌رنگی عبارتند از نوع شخصیت فرد و این که چه کسانی انحصار گروه را تشکیل می‌دهند افرادی که عزت نفس کمتری دارند، خیلی بیشتر به فشار گروه تن در می‌دهند تا آن‌هایی که عزت نفس دارند. وانگهی می‌توان عزت نفس افراد را در موقعیت‌هایی ویژه تغییر داد. بدین سان افرادی که قبلا در کار قضاوت طول خط‌ها موقعیت‌هایی داشته‌اند خیلی کمتر هم‌رنگی می‌کنند تا کسانی که برای نخستین بار در چنین موقعیتی قرار می‌گیرند. به همین ترتیب اگر فردی اعتقاد داشته باشد که برای وظیفه مورد نظر استعداد و قابلیت ندارد تمایل او به هم‌رنگی افزایش می‌یابد. عامل دوم مربوط است به ترکتی گروهی که اعمال فشار می‌کند. گروهی در ایجاد هم‌رنگی موفق‌تر است متشکل از افراد متخصص باشد اعضای گروه (تک تک یا دسته جمعی) برای فرد مهم باشند یا انحصار گروه (یک یا دسته‌جمعی) به نحوی با فرد قابل مقایسه باشد. نکته دیگر این است که فرد در یک موقعیت مشخص چه قدر احساس

امنیت می‌کند یا مورد علاقه و مقبول دوستانش است. دستاوش است. بسیاری مواقع در آن جهت با دیگران شخص و گروهی فرد، خود را با آن همانند می‌کند. از آنجا که فرد خود را با نمونه‌ای مناسب ماست. هم‌رنگی که ناشی از مشاهده رفتار دیگران به منظور کسب اطلاعات در مورد عمل مناسب باشد گسترده‌تر و عمیق‌تر از هم‌رنگی است.

همانند سازی چگونه انجام می‌شود؟

این پاسخ به نفوذ اجتماعی مبتنی بر ارزیوی شخص برای همانند شدن با شخصیت صاحب نفوذ است. در همانندسازی هم مانند متابعت رفتار ناشی از رضایت درونی نیست بلکه به این منظور است که برای وی رابطه‌ای رضایتبخش با شخص یا اشخاصی که مایل است با آن‌ها همانند شود ایجاد کند. تفاوت همانند سازی با متابعت در این است که در همانند سازی فرد به عقاید و ارزش‌هایی که اختیار کرده اعتقاد پیدا خیلی استوار و پابرجا نیست. پس اگر فرد، شخص یا گروهی را پسندیده و جالب یابد این تمایل در او پدید آید که نفوذ آن شخص را بپذیرد و ارزش‌ها و نگرش‌های خود را با ارزش‌ها و نگرش‌های آن شخص و یا آن گروه هماهنگ سازد. این عمل به خاطر کسب پاداش و یا اجتناب از تنبیه نیست بلکه برای این است که همانند آن شخص شود. درونی کردن یک ارزش یا یک عقیده عمیق‌ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است. انگیزه درونی کردن اعتقاد خاصی مبتنی بر این تمایل است که می‌خواهیم رفتار و افکارمان درست و صحیح باشد. بنابراین

اجتماعی

هم‌رنگی با جماعت و تأثیر آن در شکل‌گیری افکار عمومی(۱)

♦ جمع‌آوری: محمد خاکساری

تفاوت‌های آن‌ها را نسبت به خود کمتر کرده و میانشان بگنکنی ایجاد کنند. تقویت کنند این در تمام فرهنگ‌های بشری یکسان است. نویسنده و روانشناس نامدار "هایدر" می‌گوید: ما چنان نشان می‌دهیم که اشخاص را بیشتر دوست داریم که باورها و نگرش‌های آنان یکسان باشد. وقتی که ما کسی را بیشتر دوست داریم که باورها و نگرش‌های آنان با ما یکسان باشد، وقتی که ما کسی را دوست نداریم‌های ما را داشته باشند. علاوه بر این، شخصیت، طرز لباس پوشیدن، سطح اقتصادی اجتماعی، مذهب، سن، پایگاه اجتماعی و چیزهای مشابه آن‌ها در احساسات ما نسبت به دیگران اثر گذارده‌و ما برآن می‌دارد که در مورد آنان قضاوت‌های متعددی داشت باشیم. ما در صورتی به سوی دیگران جذب و یا آنان را به سوی خود جذب می‌کنیم که بین ما تشابهاتی وجود داشته باشد و در نقطه مقابل ما در صورتی دیگران را دوست نخواهیم داشت و از آنان گریزان خواهیم بود که بین ما تفاوت‌هایی وجود داشته‌باشد. نزدیکی یا تشابه و دوری با تفاوت پدید می‌آید. باید توجه‌داشته‌باشیم که این تشابه و یا تفاوت در صورتی در نزدیکی و دوری رابطه ما با دیگران اثرگذار خواهد بود که نشان داده شود به آنکه وجود داشته باشد اما آن‌ها را در هاله‌ای از ابهام و ناشناختی بر دیگران باقی نگه داریم. "پارک ویرگس" خاطر نشان می‌کنند همانند ساختن عبارت از کیفیتی است بر طبق آن اشخاص یا گروه‌ها،خطرات واحساسات و روش‌های اشخاص یا گروه‌های دیگر را اقتباس می‌کنند یا سهمیم شدن در تجربیات و تاریخ آنان جزء زندگی فرهنگی مشترکشان در می‌آیند. در کیفیت همانند سازی افراد یا گروه‌ها در حقیقت از فرهنگ خودشان برای اقتباس فرهنگ دیگران چشم می‌پوشند.

همه آدم‌های می‌کوشند دیگران را شبیه خود سازند و مورد آشنایی و داشتن سبب قبول است. قابلیت قبول شخصی که اطلاعات را فراهم می‌کند، بررسی "توبک" در فرهنگ‌های ما بر کسی اثر می‌گذارد، بلکه زمینه‌های مشترک تجربه‌های یکسان، ارزش‌های مشترک و مانند آن‌ها نیز برای عامل اثر می‌گذارند و موجب می‌شوند که فردی به فرد دیگر گرایش پیدا کرده و با جاذبه‌بیشتری به سوی او کشیده شود. موارد بسیاری پیش آمده است که تشابه و جاذبه منتهی نشده‌است. برای مثال شرایطراقابتی دوفرد بااهداف وخواسته‌های یکسان در طول زمان از یکدیگر خوششان نخواهد آمد و این عدم دوست داشتن برخاسته از حسدات یا احساسات مشابه آن است به تنفر از یکدیگر مبدل خواهد شد. بنابراین به صرف اینکه دو نفر دارای نگرش‌های یکسان می‌باشند کافی نیست که بر آن اساس پیش‌بینی کرد، آن نسبت به یکدیگر جاذبه‌ای را احساس کرده و به باغ سبز دوستی کشیده خواهند شد. می‌باید به دیگر نقاط مشترک و تشابهات آن‌ها نیز بیندیشیم. علاوه بر آن به سه متغیر دیگر که تشابه‌نگرشی آنان اثر می‌گذارد وقوف حاصل کنیم. تجارب پژوهش‌هاو نظرات بر این باور استوار هستند که همه آدم‌های می‌کوشند دیگران را شبیه خود سازند و

ادامه دارد

همکاران آن زمان که هر یک از شهری آمده بودند تا در خاش خدمت کنند به یادمان می‌آید. و خاطره‌ها زنده می‌شود. یاد آن روزها بخیر که با فرار از تهران و زندگی در آپارتمان پنجاه-شصت متری به شهری رسیدیم که خانه سازمانی آن حدود سیصد متر بود و ما وقت بسیار داشتیم تا بکشم. پس به پرورش مرغ و خروس و حیوانات دیگر پرداختیم تا روز را شب کنیم یا به خانه یکدیگر می‌رقیم ولی باز هم وقت اضافه می‌آوردیم. این بود که هرگاه تعطیلی چند روزهای داشتیم راهی تهران می‌شدیم. گذشت آن زمانی که آسان گذشت. شب را خاش مهمان آشنایی هستیم که از زاهدان به خاش به میهمانی خواهرش آمده و ما هم به آن خانه می‌یرد. شنیدن بعضی اصطلاحات محلی که با داور گذشته است مثل فرمز کردن (بجای سرخ کردن) و غیره برایمان جالب است. چشم برهم نگذاشته صبح شده باید راه بقیتم به سوی زاهدان، چهارده چکنم‌رامی‌بینم و چهار راه رسولی‌را که آن‌ها هم ترسدند. تعداد مغازه‌های که لباس واجنس دست دوم می‌فروشدند زیاد شده است چیزی نمی‌خردیم چون زمانی اینطور چیزها را فقط در زاهدان می‌خریدیم اما حالا در هر گوشه‌ای از کشور فروشگاه‌های لباس کهنه(ناآکورا) رشد کرده‌اند و در مصرف و تبدیل به زباله‌ان البسه واجنس دست دوم نمیایم؟ این مشکل‌دگان این قبیل اجناس را که معمولا از طبقات و اقشار حقوق‌بگیر و کم درآمد هستند را هر چه بیشتر به سوی استفاده از وسایل و لباس‌هایی می‌اندازد و همینطور به فکر می‌افتد که چلیپار کیش نمایم که سلامت و بهداشت افراد را به مخاطره می‌اندازد و همینطور به فکر می‌افتد که چلیپار کیش و قشم و دیگر بنادر آزاد بجای تبدیل شدن به پایگاه صادرات و ایجاد شغل برای جوانان کشور آیا به ضد خویش تبدیل نشده؟

دل‌مان می‌خواهد شهری‌را که دو سال در آن زندگی کرده‌ایم را بعد از ۱۸ سال ببینیم. در راه خاش چشم به جاده ایرندگان می‌افتد که اسفالت شده و رفت و آمد هم در آن جاده راحت تر و بیشتر صورت می‌گیرد. یاد سستی‌های گذر از این جاده می‌افتم و اینکه آیا حاضرم حالا هم همان راه قبلی را با همان شرایط هر هفته طی کنم؟ یاد می‌آید که روزی برای رفتن به دبیرستان تازه تأسیس ایرندگان بعلت نبودن وسیله یا اصرار سوار واثنی شدید که بلوغ‌ها به آن سویر می‌گفتند و راننده با خجالت از ما پرسید که اگر گوسندنی در راه بار کنم ایرادی ندارد؟ و ما هم بخنده گفتیم ایراد ندارد. گوسفندها را بغل کرده می‌نشینیم. اما در راه وقتی به جای گوسفند کود بار زد و مجبور شدیم روی موتکی که روی کودها انداخت بنشینیم علت خجالتش را فهمیدیم. خاش هم بزگتر شده. خانه‌های سازمانی محل ریگ‌آباد که زمانی آخرین خانه‌های شهر بود اکنون قسمتی از مرکز شهر است. بسیاری از آدم‌ها عوض شده‌اند ولی بافت مرکزی شهر چندان تغییر نکرده است.

طراح:عادل حسینی- دبیر منطقه ۱۶ تهران

جدول با جایزه

جدول شماره شش

پاسخ جدول شماره چهار

برنده جدول شماره ۴:

مریم بیرامی - ارومیه

طراح:عادل حسینی- دبیر منطقه ۱۶ تهران

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
	۲													
		۳												
			۴											
				۵										
					۶									
						۷								
							۸							
								۹						
									۱۰					
										۱۱				
											۱۲			
												۱۳		
													۱۴	
														۱۵

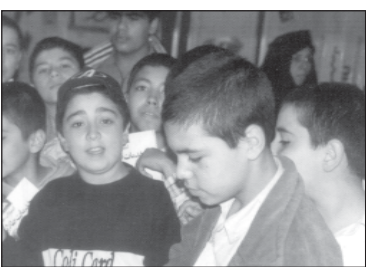
مسئله

سه‌شنبه ۱۶ دی ۸۲ - سال اول - شماره ۱۰

مشاور

پژوهشی در تمرکز حواس دانش‌آموزان

ماشا... فانی اسکی، مشاور منطقه ۱۶تهران



بدون تردید یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، دقت و تمرکز حواس در کلاس و هنگام مطالعه کتاب می‌باشد و عدم تمرکز حواس نقش غیرقابل انکاری در افت تحصیلی دارد. از این رو می‌توان گفت که تمرکز حواس عبارت است از به‌کارگیری صحیح و کارآمد دانش‌آموزان از حواس بینایی و شنوایی و دقت و توجه به تدریس معلم. به منظور درک و یادگیری بهینه و افزایش ضریب یادآوری مطالب آموخته شده است. هم‌چنین عدم تمرکز حواس نیز عبارت است از ناتوانی دانش‌آموز در بهره‌گیری و هماهنگی لازم میان حواس بینایی و شنوایی و دقت و توجه ناکافی در هنگام تدریس معلم و مطالعه است. به طور کلی در ایجاد این مشکل سه دسته عامل دخالت دارند.

۱- عوامل فردی

۲- عوامل خانوادگی

۳- عوامل محیطی

با مطالعه و پژوهش و انجام مصاحبه و پرسش‌نامه در یکی از مدارس محروم آموزش و پرورش شهر تهران اطلاعاتی در مورد علل این مشکل به دست آمده که خلاصه آن به شرح ذیل می‌باشد:

۱) مشکلات مالی و اقتصادی و فقدان حداقل امکانات رفاهی لازم در منزل

۲) روابط نامناسب با والدین و نبود یک ارتباط عاطفی مناسب جهت حل مشکلات روحی و تعارضات درونی

۳) فقدان اطلاعات و آگاهی‌های لازم در زمینه ارتباط با جنس مخالف و پیامدهای آن

۴- فقدان فضای نشاط آور و انگیزشی در کلاس و مدرسه

۵- بی‌توجهی برخی از دبیران محترم به نحوی تدریس و طرح درس و فقدان یک روش آموزشی صحیح تدریس

۶- وجود رفتارهایی دل‌بر پیش‌فعالی و سیلنت در کلاس

۷- وجود تعارضات میان والدین و خشونت در خانواده

۸- نامناسب بودن فضای فیزیکی کلاس مثل: نور- رنگ- تهویه- میز و نیمکت

راه‌های پیشنهادی برای حل یا کاهش مشکل عدم تمرکز حواس

با مطالعه و تجزیه و تحلیل علل این معضل راه‌های مختلفی می‌تواند به حل این مشکل ما را یاری دهد به دلیل اینکه عوامل ایجادکننده متعدد و متنوع می‌باشد لذا از یک راه حل نمی‌توان به نتیجه رسید. لذا باید برای هر یک از این مشکل راه‌کارهای اساسی و کارآمد در نظر گرفت همراه با پی‌گیری و سخت‌کوشی همه جانبه تا بتوان در کاری به نتیجه رسید.

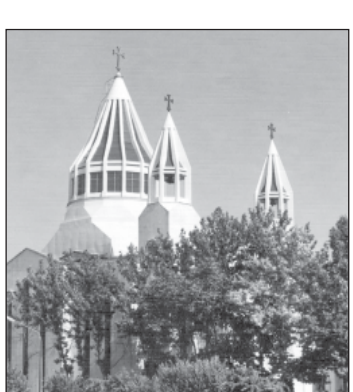
۱- استفاده از روش‌ها و فنون برنام‌ریزی درسی می‌تواند ما را در جهت آشنا ساختن دانش‌آموز با راه‌ها و روش‌های مطالعه کردن و از زمان به نحو احسن استفاده نمودن یاری نماید. لذا در این‌جا می‌توان با پی‌گیری لازم انگیزه را نیز در فرد ایجاد کرد. چرا که علاقه و انگیزه استسای می‌باشد.

۲- به‌کارگیری روش‌ها و فنون آرام‌سازی عضلانی برای کاهش اضطراب و افزایش تمرکز زمانی که دانش‌آموز در یک خانواده‌ای زندگی می‌کند که تنش و خشونت حاکم است و تعارضات بین والدین وجود دارد لذا خود به خود دانش‌آموز دچار اضطراب و دل‌پره می‌شود . بنابراین باید به صورت فردی تحت مشاوره خصوصی قراربگیرد و یادبگیرد که در مواقع بحرانی آرامش جسمی و روحی را به خود تلقین نماید.

۳- برگزاری جلسات مشاوره فردی، گروهی، خانوادگی برای افرادی که تحت این مشکل مورد شناسایی قرار می‌گیرند تا بتوانند تعارضات خودشان را حل کنند و روابط بین فردی خودشان را بهبود بخشند و عشق و محبت را به جای خشونت و پرخاش سرلوحه‌ی کار خودشان قرار دهند.

خبر

احیای ارزش های مسیحیت، داستایوفسکی را از نهیلیسم جدا نمی کند



ایسنا:مراد فرهادپور با موضوع نیچه، داستایوفسکی، نهیلیسم” در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران سخنرانی کرد.

فرهادپور در آخرین جلسه از نشست های جامعه شناسی ادبیات، با اشاره به اینکه نهیلیسم در قالب شخصیت های رمان های داستایوفسکی متجلی شده است گفت: این موضوع از دو زاویه قابل بررسی است؛ نگاه داستایوفسکی رنگ و بوی مسیحی دارد و معطوف به میزان از دست رفتن ایمان فردی است و راه او بازیابی ایمان است.

وی افزود: البته شکل از دست رفته‌ی

ایمان فردی، شکل قرن نوزدهمی در جامعه‌ی نیمه مدرنیزه شده است و با از دست رفتن ایمان قرن هجدهم فرانسه متفاوت است. اینجا دیگر با دوری از ایمان به خاطر خرافه و نزدیکی به علم روبه‌رو نیستیم. این نوع از دست رفتن ایمان نوعی نهیلیسم اگزیستانسیالیست وجودی است و مساله اش معماهای وجود بشری و معمای رنج بشری است.

فرهادپور در ادامه خاطر نشان کرد: داستایوفسکی از طریق پذیرفتن رنج درون خودش به ساختن شخصیتی که تجربه‌ی مسیح را مبتنی بر عشق و بخشایش تکرار می کند، می پردازد و این در شخصیت‌هایی از جمله سونیا” در جنایت و مکافات” یا پرنس میشکین در “بله” و یا آلیوشا در “برادران کارامازوف” دیده می شود و البته داستایوفسکی در این راه حل شکست می خورد و مثلا میشکین در رمان “بله” در قالب مسیح به یک ایله تبدیل می شود.

این مترجم سپس با اشاره به راه حل دوم داستایوفسکی گفت: بخشی از از دست رفتن ایمان در دید داستایوفسکی ناشی از از دست رفتن رابطه‌ی فرد با سرزمین و خاک است و او آینده‌ی سرزمین مقدس اولیه را مطرح می کند و مسیحیت را نه به عنوان ایمان شکلی و فردی، بلکه به عنوان شکل اجتماعی و شیوه‌ی زندگی در قالب روسیه مجسم می کند، او حضور مسیحیت را در غرب رد می کند و حقیقت مسیحیت را در روسیه می بیند.

وی همچنین خاطرنشان کرد: این راه حل تا حدی بعد از تجربه‌ی تبعید به سبیری برای داستایوفسکی مهم می شود، او در آنجا با قفرا، محکومان و رده های پایین برخورد می کند و نظرات سیاسی، اجتماعی او به سمت نوعی پوپولیسم می رود و چهره‌ی ارتجاعی داستایوفسکی ساخته می شود که البته داستایوفسکی هیچگاه با ارتجاع ادغام نشد. او همواره شهری بود و نتوانست راه حل تولستوی برای رفتن به ده را بپذیرد.

فرهادپور با تاکید بر شکست داستایوفسکی در هر دو راه حل بازیابی ایمان از طریق تقلید مسیح و بازگشت به خاک و سرزمین، متذکر شد، این شکست را هم خود او مطرح می کند و نسبت به آن آگاه است و همین است که او را به نیچه و نهیلیسم پیوند می دهد. مراد فرهادپور گفت: نهیلیسم آنطور که نیچه مطرح می کند، پیروزی ارزشهای مسیحی است و به خاطر این است که احیای آنها داستایوفسکی را از نهیلیسم جدا نمی کند. از دید نیچه، مسیحیت پایبند حقیقت است و جست و جوی حقیقت درست همان چیزی است که زیرپای مسیحیت می زند و همین پایبندی به حقیقت باعث شد واقعیت تاریخی انجیل را زیر سوال ببرند.

وی تاکید کرد: نیچه وقتی مسیحیت را بدون می کند، خود این به یک مکتب تنولوژیک در مسیحیت تبدیل می شود و او معتقد است ارزشهای متافیزیکی با بنیاد تاریخی از بین رفته است و می گوید ارزشهایی بدون سکون و انجماد تاریخی ساخته می شود.

سه‌شنبه ۱۶ دی ۸۲ - سال اول - شماره ۱۰

قسمت دوم

دانستیم که براساس مدعای جوهری، حرکت امری متصل، تدریجی و همگانی است. البته این امر متصل همگانی فقط خاص موجودات مادی است که مرتبا از حالتی بالقوه به بالفعل درمی آیند لذا موجوداتی که فعلیت تام هستند حرکت شامل حالشان نمی‌شود. حال باید دید مدعای نظریه تجدد امثال چیست؟

تجدد امثال در اصطلاح عارفان به این معنی است که وجود حیات انسانی و سایر موجودات امکانی پیوسته و آن به آن در تغییر و تبدیل و تازه به تازه شدن است. فیض هستی که از مبدا هستی بخش به ممکنات می‌رسد لحظه به لحظه نو می‌شود. تغییر می‌یابد و تکرارپذیر نیست. یعنی به صورت خلغ و لیس آن چه در سابق بود معدوم می‌گردد و در آن لاحق حیات جدید وجود تازه که مماثل با حیات و وجود سابق است به ما می‌رسد. لذا هستی سابق هیچ‌گاه عینابدون تغییر، ثابت و پای برجانه‌می‌ماند.

اصلاح تجدد امثال به این معنا خاص عارفان است و در حوزه‌های دیگر اندیشه‌های اسلامی چنین نظریه‌ای مطرح نشده است. متکلمان اولیه اسلام زمانی که از جوهر و اعراض سخن می‌گفتند در مورد تجدید اعراض و با عدم تجدید آن‌ها نظریانی ارائه می‌کردند. اشاعره و در راس آن‌ها شعری در کتاب «مقالات الاسلامیین» معتقد بودند که تجدد و نوبه‌نو شدن خاص اعراض است، و جواهر را شامل نمی‌شود. ایشان می‌گفتند که العرضی لایبقی زمانئین. یعنی اعراض در دو زمان یکسان و پایدار نیستند لیکن جواهر در معرض تجدد واقع نمی‌شوند.

متکلمان معتزلی و همچنین فلاسفه‌ی مشاء، نه با تجدد امثال موافق بودند و نه با حرکت جوهری. از میان معتزلیان فقط نظام بصری عالم و متکلم قرن دوم هجری بود که قاعده تجدد امثال را پذیرفته بود و آن را شامل هر دو نوع جوهر و عرض به حساب آورده است. اما عرفا و حکمای اشراق قاعده تجدد امثال را بپذیرفته‌اند و آن را به سراسر عالم امکان اعم از جوهر و عرض تعمیم داده‌اند.

اصطلاح تجدد امثال در میان عارفان از برخی آیات قرآن اخذ شده است. که نمونه‌هایی از این آیات چنین است. «بلی قادرین علیٰ أن ینبدل أمثالکم و َنُشکِّکم فی ما لاتعلمون» (بواقع۶۷)

«بل هم فی لیس من خلق جدید» (ق/ ۱۵)
«أن یشاء َ یذهبکم و یأت بخلق جدید» (فاطر/ ۱۶)
«فلک و هو هم فی شأن» (الرحمن/ ۲۹)

بنابر نظریه‌ی عارفان اولا خداوند همواره در کار تجلی و فیض‌رسانی است. ثانیه این تجلی و فیض‌رسانی تکراری نیست «لاتکرار فی التجلی»، ثالثا چون فیض و تجلی خداوند هر لحظه صورتی نو دارد و تمام عرضی موجودات اعم از جوهر و عرض مادی و مجرد را در بر می‌گیرد لذا هیچ موجودی در این لحظه عینا همان موجود لحظه سابق نیست.

هر نفس نو می‌شود دنیا و ما بی‌خبر از نو شدن اندربقا عمر همچون جوی نونو می‌رسد مستمری می‌نماید در آن زتیری مستمر شکل آمدست چون شرکش تیز جنجالی به دست (مثنوی دفتر اول بیت ۱۱۴۶-۱۱۴۴) عین القضاة همدانی معتقد بود که تمام اشیاء، که با یکدیگر در قلمرو ماوراعقل یعنی

ایسنا:جلسه‌ای با موضوع “حکمت یونانی و حکمت ایمانیان” سه شنبه گذشته با سخنرانی عبدالکریم سروش در دانشگاه صنعتی امیرکبیر برگزار شد. سروش در مورد موضوع سخنرانی‌اش با عنوان حکمت یونانیان و حکمت ایمانیان سخن گفت و عنوان کرد: این تعبیر را از یکی از شعرهای شیخ بهالدین عاملی گرفته‌ام. وی با این پرسش که یونانیان در مبانی حکمت چه کرده و چرا دوره‌ای می‌رسد که اشخاص در جهان اسلام دعوت به روگرداندن از حکمت یونانی می‌کنند در ادامه اظهار داشت: جامعه ایرانی همیشه با فلسفه و حکمت مساله داشته و به خوبی این دو را در خود جا نداده است؛ در حالی که فقه و فقیهان عزیزترین پرورده‌های دوران بودند و حکیمان باید خود را جا دهند؛ گرچه آنها را تحویل نمی‌گیرند؛ ولی باید خود را تحمیل کرده و در حاشیه این تمدن زندگی کنند. پس تمدن اسلامی تمدن فقیه پرور بوده؛ نه فیلسوف پرور و کتابهای نوشته شده در زمینه فلسفه به یک صدم کتابهای فقه نمی‌رسد.

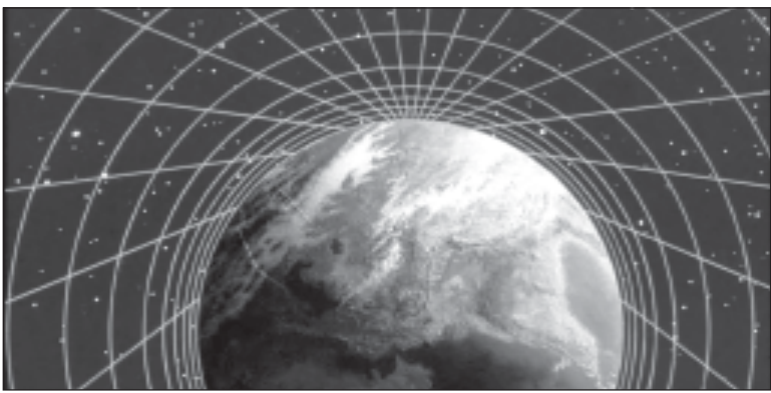
سروش خاطرنشان ساخت، فقه بر تمام علوم دیگر سایه افکنده بود. حکمت یونانی هم به نه این دلیل که سیطره و مشتریان فراوان داشت، ولی همان اندک هم مورد پسند نبود و آن را راهزن ایمان و رقیب پیامبران می‌دانستند و در نهان و آشکار به مسلمانان می‌گفتند که آن را جدی نگرفته و در عوض به حکمت ایمانی رو آورد. حتی اقبال لاهوری نیز از موضع دیگری این ناله را سر می‌دهد و می‌گوید قرن‌ها فکر دینی ما تحت سلطه فکر یونانی بود و هر چه قرآن خواندید از نگاه آن دیدیم و اکنون وقت آن است که از این زندان آزاد شویم و آزادانه‌تر فکر کنیم. در دوران جدید فلسفه تحلیلی در یونان رشد یافته و لگد زدن و نفی

الادینت

حرکت جوهری و تجدد امثال

”مقایسه نظریه فلسفی و عرفانی در باب حرکت و خلق مدام“

■ اصغر میرجمال مدرس دانشگاه



جایی که زمان وجود ندارد و قبل و بعد فاقد معناست در یک گستره‌ی بی‌زمان وجود به طور ازلی آرام وبی‌حرکت وجود دارند اما ما وقتی تصور ایشان را به قلمرو عقل وارد می‌کنیم آغاز به پدیدار شدن در ساختی از تغییرات دائمی می‌مانند. در این بعد سیر و توالی زمانی تمام چیزها به طور دائم و پیوسته در حرکت تغییر هستند.

سخن قاضی همدانی ناشی از این حقیقت است که در بعد وجودی که زمان بر آن حاکم است نسبت هر یک از اشیاء با منبع وجودیش دائما در تغییر است و این نسبت هر لحظه متفاوت از لحظه‌ی دیگر است و هر شیء، در هر لحظه وجودی نو می‌یابد.

لاهیجی در شرح گلشن راز معتقد است که هر موجودی به مقتضای امکانیت خویش به محض وجود یافتن لباس وجود را از خود خلع می‌کند اما نفس رحمانی حق در همان لحظه وجودی تازه و نو به او اضافه می‌نماید.

بنابر نظر لاهیجی وضعیت هستی یعنی آن‌چه که نام ممکن بر او نهاده شود وضعیت خلغ و لیس است. یعنی درآمدن از جامه‌ای و جامه‌ای نو بر تن کردن.

شیخ محمود شبستری در رساله‌ی حق‌الیقین معتقد است که تعینات برحسب اقتضای ذاتی که نسبت هستند، و نسبت ازجمله اعراض است و العرض لایبقی زمانین؛ و به حسب اقتضای منتسبین «اعنی الوجود والعدم» طالب و مشتاق عدم هستند و به سرعت تمام ساری و متحرک به سوی مرکز فطرت ذاتی خود هستند که عدم است به منابت جواهر به مراکز «وتری الجبال تحسبها جامده و هی تمّر مر السحاب»

او می‌گوید:

«از بدیهات است که در هر طرفه‌العین حال را تجددی حاصل می‌شود تا در تربت خویش محکوم علیه نمی‌گردد به ادراک و سرعت سربان آن ظاهر است. چه در هر یک از اجزای جسم محیط که محل مکان است در حرکت مستدیر اقتضای اخفای جزو دیگر می‌کند و شهت نیست که مکان مجموع اجزای آن جسم است و تجدد تعیین حرکت از ضروریات است از آن‌که خروج از قوه به فعل جز به طریق تدریج صورت نیندد مگر به تصور مبدا و منتها و عدم سکون متحرک بینهما. و چون زمان و مکان و حرکت در هر طرفه‌العین مبدل گردد، ضرورت بود که جهات و اجسام و اعراض دیگر بدین و تیره روند که محقق است که هر آنی و جزوی را از مکان و حرکت با هر یک از معروضات ایشان نسبتی است غیر نسبت اول و هر یکی در هر طرفه‌العین به حسب لیس و خلغ تعین وجودی و عدمی خاص می‌یابند و این معنی را محبوس و مقید

و تبدیل.

این عربی می‌گوید تبدلُ الْعَالَمِ مَعَ الْفِئْسِ، عالم در هر نفس تبدیل می‌یابد. یعنی هر لحظه به لحظه صورت جدیدی از عالم ظاهر می‌شود. از نظر ابن عربی تجلی الهی هرگز فعال بودن خود را از دست نمی‌دهد و مهم‌تر آن‌که هرگز تجلی خود را تکرار نمی‌کند.

درباره‌ی خلق از نظر محی‌الدین باقی‌گفت که عالم یعنی قلب انسان کامل لحظه به لحظه از نو خلق می‌شود و دنیایی که در این لحظه در آن هستیم ادامه‌ی دنیایی نیست که ما لحظه‌ی پیش در آن بودیم آن‌چنان‌که دنیایی که پس از لحظه‌ای دیگر پدیدار می‌شود کاملا متفاوت از دنیای کنونی خواهد بود. این عربی تمام آن چه را که حتی فلاسفه‌ی قدیم در تقسیم‌بندی جوهر و عرض به آن لقب جوهر داده بودند عرض نامید یعنی آن‌ها را چیزی بیش از تعینات ذاتی خاص جوهرنمایی یعنی ذات مطلق الهی ندانست لذا نتیجه

عبدالکریم سروش:

ارسطو مد شده. شاید این جو اکنون وجود نداشته باشد؛ ولی ما دوران ارسطوسنیزی هم داشته‌ایم. وی با عنوان این مطلب که شان حکمت دنیا این است که ما را شکاک می‌کند، در ادامه تصریح کرد: ولی حکمت دین یقین و آرامش و وصال و ثرواتی را در اختیار ما می‌گذارد. شیخ بهایی از کلمه فلسفه هم استفاده نمی‌کرد؛ زیرا این کلمه را بیگانه می‌دانست؛ ولی کلمه حکمت را به کار می‌برد.

دکتر سروش سپس در مورد خصلت های حکمت یونانیان عنوان کرد: اولین خصوصیت این حکمت ترویج پرسش‌گری و به عقل تحرک دادن است. عقلانیت فقط به معنای شنیدن چیزی نیست. عنصر بزرگ در عقلانیت یونانی است: پرسیدن و جرات پرسیدن، نقد و جرات نقد کردن و همه چیز را زیر سوال بردن. ولی این به تنهایی کافی نیست؛ زیرا انسان باید استدلال آورده و چیزی را بدون دلیل نپذیرد. این عادت خفتن عقلانی را باید فرو کوفت.

سروش دیگر خصوصیت فلسفه یونانی را نقل به مهابت دانست و ادامه داد: هر موجودی ماهیتی دارد و برای شناخت آن باید ماهیت آن موجود را بشناسیم. فلسفه یونانیان گذشته پر از تعریف است و تعریف همان بیان ماهیت شیء است، ولی پس از معرفی ماهیت احکام دیگری مترقب می‌شود.

وی افزود: امروز در وضعیتنی به سر می‌بریم که در کشاکش این دو فکر هستیم. عده‌ای ما را به ایمان و عده‌ای ما را به خردورزی دعوت می‌کنند، حال این سوال مطرح است که آیا این دو فکر با هم

گرفت که آن الْعَالَمَ کله مجموع العَرض.

البته محی‌الدین به هیچ‌گاه وارد دستگاه فلسفی ارسطویی برای استفاده از اصطلاح جوهر و عرض نشده است. و این اصطلاحات را فقط برای پاسخ به جماعتی به کار می‌برد که معتقد بودند در میان ممکنات جواهر و اعراضی وجود دارد و اعراض فقط در معرض تجدد و تحول اند و جواهر ثابت می‌باشند در حالی که او معتقد بود تنها یک جوهر وجود دارد و آن تعالی و تقدس است و سایر ممکنات به مثابه‌ی اعراض هستند و در تغییر و تحول. بنابر نظریه‌ی تجدد امثال شخصش شد که تمام عالم ممکنات از صدر تا ذیل چه مجرد و چه مادی در معرض تغییر و تحول اند حال می‌توان تفاوت نظریه‌ی حرکت جوهری صدرا را با نظریه‌ی تجدد امثال عارفان خصوصا ابن عربی برشمرد.

موضوع تجدد امثال نفس وجود است اما موضوع حرکت جوهری به عقیده‌ی ملاصدرا هیولی یا ماده‌است که به‌صورت جوهری متصل شده‌باشد.

۲-تجدد امثال شامل همه‌ی عالم وجود ممکنه‌است اعم‌از مجرد یا ماده‌اما حرکت جوهری به اعتقاد ملاصدرا و پیروانش در عالم مجردات و مفارق از ماده را ندارد چرا که در عامل مجردات حالت منتظره‌ای وجود ندارد و سراسر آن عالم فعلیت محض است.

۳-تجدد امثال جواهر واعراض‌را در برمی‌گیرد لیکن حرکت جوهری مستقیما با جواهر در ارتباط است واعراض تابع جوهر هستند.

۴-بنابر نظریه‌ی حرکت جوهری و موضوع حرکت است دو اعتبار دارد:

اعتبار اول این که وجود است و دیگر اعتبار آن که تجدد است پس اعتبار و ملاحظه‌ی جنبه‌ی وجودش محجول است اما به لحاظ جنبه‌ی تجددش مجعول نیست چرا که تجدد و سیلان ذاتی طبیعت جوهری است و هر ذاتی محتاج علت نیست. اما در تجدد امثال موضوع و متعلق تجدد یک امر بیش نیست که همان وجود نفسی است که آن هم متعلق جعل بسیط است نه جعل تالیفی و ترکیبی.

۵-نظریه‌ی حرکت جوهری ناظر بر لیس بعد لیس است یعنی موجود مرتبا وجودی را شده‌اند چه وجود خارجی برای جوهر حقیقی قائل نیستند و اشاعره‌ا را نقد می‌کند که ایشان نفهمیده‌اند که تمام هستی و عالم موجودات مجموعا اعراض هستند و جوهر فرد حقیقی مبدا فیض یعنی وجود مطلق حق تعالی است. لذا اگر مدعی هستند که اعراض در دو زمان بر یک قرار باقی نیستند این بدین معنا درست تواند بود که کل عالم را عرض بدانیم و در تغییر

- ۱- قرآن کریم
- ۲-اسفندیاربعه (الحکه المتعالیه فی‌الاسفار الاریقه) بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی‌تا چاپ سوم
- ۳-آموزش فلسفه استاد محمدتقی مصباح بزدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۴- خلق مدام-توشیهکیو ایژوتسو، ترجمه‌ی شیوا کابویی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۲۴
- ۵- دو رساله در فلسفه‌ی اسلامی، استاد جلال‌الدین همایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵
- ۶- شرح قیصری بر فصوص‌الحکم ابن عربی؛ با مقدمه و تفسیح و تعلیق سیدجلال‌الدین آشتیانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ۷- تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، ج اول، عبدالرحمن بدوی ترجمه حسین صابری، چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ج اول، ۱۳۲۴
- ۸- مجموعه‌ای آثار گلشن راز، شیخ محمود شبستری، به اهتمام دکتر صمد موحد، کتابخانه‌ی طهوری، ج ۲، ۱۳۷۱.
- ۹- نهاد نارازم جهان، دکتر عبدالکریم سروش، چاپ و نشر دفتر فرهنگ اسلامی
- ۱۰- مثنوی معنوی، مصحح عبدالکریم سروش، نرم‌افزار نیستان جم، سروش قونیه

ایرادهای وارد بر حکمت یونانی بود. وی مشکل دیگر عقل یونانی را سبب اندیش بودن آن دانست و گفت: این نوع عقل اختصاصا از فلسفه یونان به ما رسیده و مولوی با سبب اندیشی مشکل ذاتی عقلی که در چارچوب مسیبات کار می‌کند هر حادثه‌ای را دارای علتی می‌داند و تمام دانش خود را بر علیت می‌داند و اگر کسی علت چیزی را نیافت نمی‌تواند باشد. مشکل عالمان ما به فلسفه یونانی هم علیت است. پس عقل یونانی خود از درون دچار مشکل است. ماهیت شناسی، کلیات شناسی و منطق عقل یونانی زیر سوال رفت و تار و پودش از هم جدا شد. پس سی توان آن حکمت را فرو نهاد. سروش با تاکید بر اینکه باید به عقل، ایمان بی جهت آوریم، در ادامه عنوان کرد: عقلانیت خود از عقلانیت آغاز و یک انتخاب است، جهت خواستن ما را به تسلسل می‌اندازد، عقل آندرد ما با یکی است که می‌دانیم چیست. ما به عقل اعتماد کرده‌ایم، گرچه می‌دانیم که عقل خطاپذیر است، ولی ما را به شناخت عالم می‌رساند. عالمان ما می‌گفتند که انتخاب دیگری را می‌توانید انجام دهید. چنین انحصاری فرض کردن، حتا خلاف عقلانیت است. ایمانیان با خردورزی دشمنی ندارند، عقل را نباید تعطیل کرده، عقل ورزی یک نوع انتخاب است. حکمت یونانیان از آنچه تعذیه می‌کند عالم صور است، پس حکمت یونانیان حکمت صورنگران و ایمانیان متعلق به عالم بی‌صورت است. آنچه عقل نمی‌تواند از آن عبور کند، وی در پایان گفت: معنای ایمان درست مثل عشق است که باید معنای دقیق آن را در نظر گرفت. خرد و ایمان در سطح متعالی با هم آشنی می‌کنند؛ به تعبیر مولوی نسبت عقل و ایمان چشم و گوش می‌شود، دو کاتال که هیچ کدام راه به دیگری نمی‌نند، هم باید شنید و هم باید دید.

۷

فلسفه

خبر

محمدرضا بهشتی:

فلسفه قرار بود یک علم عقلی باشد؛ نه نقلی

ایسنا: محمدرضا بهشتی در مورد موانع آموزش فلسفه در ایران گفت: فلسفه دارای شاخه‌های متعددی است؛ مثلا روش های هرمنوتیکی افسلهی دارد که ما حتا روش‌های آن را نمی‌دانیم، حتا اینکه پدیدار شناسان در روبه‌رو شدن با موضوع چگونه باید برخورد کنند را نمی‌دانیم. ادغام روش‌ها را نیز نمی‌دانیم. بنابراین ما با متون و رهیافت‌های پژوهش آشنا نبوده و در برنامه آموزش نیز با مشکلاتی روبه‌رو هستیم. نظام آموزشی ما توانایی های متعددی دارد؛ ولی محدودیت‌های فرولانی هم‌در این زمینه وجود دارد. وی خاطرنشان ساخت: در ابتدای هر ترم با تعریف عناوین مشخص از قبل و حتا مطرح کردن طرح درس از پیش چنان لباس تنگی بر استاد می‌پوشانند که استاد نمی‌تواند از آن خارج شود و اگر بخواهیم طبق ضوابط و مقررات مراکز تصمیم گیرنده حرکت کنیم، به ندرت طرح موضوع جدیدی را در این چارچوب می‌یابیم. باین روال در کار آموزشی با یک رکود و افول مواجه می‌شویم و اگر نظام آموزشی ما مجال ندهد، بعد از مدتی به ماشین تدریس تبدیل خواهیم شد. بهشتی عنوان کرد: نقیصه دیگری که در نظام آموزشی ما وجود دارد، این است که اسما چیزی به نام دستیار و استادیار داریم؛ ولی عملا چنین چیزی نیست. از دیگر مشکلات ما این است که با نوشته و ارایه مکتوب موضوع و ارایه شفاهی موضوع مشکل زیادی داریم. مهارت اینکه روی مطلبی فکر کرده و در صورت شفاهی بیان شود بسپار کم است و در بعضی از نظام‌های آموزشی احساس‌رهانشدگی بعد از تمام شدن واحدها وجود دارد. تمام این موارد جنبه‌های صوری کار ما است. وی در مورد محتوا و مضامین آموزشی یادآور شد: در نگاه اول کاری که در گروه‌های فلسفه و عمدتا در گروه فلسفه غرب وجود دارد، این است که با یک نگاه تاریخی به موضوعات نگاه می‌شود. بیش از خولدن فلسفه به سیر تاریخ فلسفه می‌پردازیم، حتا اگر داخل موضوعات شویم، دوباره تاریخی حرکت می‌کنیم.

در این نگاه تاریخی که نسبت به موضوعات داریم، غالبا با اندیشه‌ها به نحو مستقیم روبه‌رو نمی‌شویم. باکلت، زندگی و اندیشه‌هایش روبه‌رو هستیم؛ ولی ممکن است یک بار هم از کلت را نخوانده باشیم. این استاد دانشگاه با عنوان این مطلب که فلسفه قرار بود یک علم عقلی باشد، اما نقلی برخورد می‌کنیم، در ادامه اظهار داشت: حسرات درگیری از همان اول سلب می‌شود؛ در حالی که تا این درگیری صورت نگیرد و پرسش فلسفی مطرح نشود و موضوع از بداهت خود خارج نشود، بعید است به درک و فهمی از آنچه بیان می‌شود دست یابیم. پس به عنوان یک مساله جدی نحوه این مواجهه مستقیم با اندیشه‌های یک فیلسوف، نقد و نگاه نقادانه داشتن، فاصله گرفتن و دوباره با فاصله نگاه کردن آشنا نیستیم. به علاوه وقتی گفته می‌شود فلسفه در ذهن ما یکسری شاخه‌های خاصی مابعدالطبیعه فلسفه هستی شناسی و معرفت شناسی هم که فلسفه است، فلسفه یعنی همین؟ فلسفه در تلقی عمومی ما این است. اخلاق هم به نوعی فلسفه است، بقیه‌اش چیست؟ نمی‌دانیم. اگر به صورتی از تقسیم‌بندی های فلسفی معاصر روبه‌رو شویم، می‌بینیم که خیلی چیزها فلسفه است و اسم آن را می‌گذاریم و فلسفه‌های مضاف اسم فلسفه را به آن چسبانده و نسبتی برقرار کرده‌اند. خود کلمه فلسفه‌های مضاف قابل تامل است. ایسنا، بهشتی فلسفه‌های مضاف را شاخه‌هایی از فلسفه دانست و ادامه داد: این فلسفه‌ها شاخه‌های آن فلسفه هستند که ما را به زندگی گره می‌زنند. فلسفه‌ای که از زندگی آغاز و به زندگی بر می‌گشت به دلیل نوع تلقی ما این ارتباط را از دست داده است. اخیرا رگه‌هایی باز می‌شود که متافیزیک، معرفت شناسی و اخلاق و … رشته‌های دیگر موسوم به فلسفه مضاف در بنامه آموزشی ما طرح می‌شود. بعضی از شاخه‌های که مانی‌شناسیم بیش از ۲ قرن سابقه دارد. وی افزود: در فلسفه اخلاق با تقسیم‌بندی‌های متعددی که وجود دارد یک نفر نمی‌تواند بر تمام آن‌ها حاطله کامل داشته‌باشد؛ ولی ما انتها ۲ واحد فلسفه اخلاق داریم که نمی‌توانیم در آن چه می‌کنیم. کار وقتی مشکل تر می‌شود که وارد بخش‌هایی از مباحث فلسفی می‌شویم که با رشته‌های دیگر ارتباط دارد. مانی‌توانیم به جانب رشته‌های دیگر حرکت کرده آن‌ها هم هیچ قرابتی با ما ندارند. این استاد دانشگاه مساله جدی کار آموزش و پژوهش را کمبود منابع داخلی و خارجی دانست و عنوان کرد: مجلات هنوز در رشته فلسفه هیچ جایگاهی ندارند، مشکل دیگر، منابع زبان است. اگر یک استاد خارجی برای تدریس بیاید، بی‌فایده خواهد بود. در گسست آموزش و پژوهش، مشکل اصلی زبان است. رشته فلسفه نظری است و در درجه اول کاربردی نیست. باید با واسطه خود را به موضوعات کاربردی نزدیک کند؛ ولی اینک فاصله بسپار است. وی با تاکید بر این مطلب که دگرگونی‌های کوچک در آموزش فلسفه انجام شود، در پایان گفت: چندان به دگرگونی های بزرگ امیدوار نیستیم. لازمه دگرگونی های کوچک هم وقوف به مساله است. با همکاری اعضای هیات علمی و دانشجوین علاقمند، از وضع موجود شناخت یافته و راه‌های موجود را شناسایی، انتخاب و به سمت اجرا حرکت کنیم.

نام‌رسیده ✉

انتقاد سازمان پزشکان مسؤلین بدون مرز، از

در سال ۲۰۰۱، تأسیس سازمان پزشکان بدون مرز، به اختصار "پیم.بم." با اهداف عالی انسانی و کمک‌رسانی به جوامع عقب‌نگاه‌داشته شده تشکیل شد و مشغول انجام پروژه‌های کوچک و بزرگ در روستاهای محروم گشت. ۴ ماه از تأسیس این سازمان نگذشته بود که حادثه‌ی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به وجود آمد. تمام پزشکان و نیروی این سازمان، اعلام آمادگی کردند که در مرز افغانستان باهدف کمک‌رسانی پزشکی شرکت کنند. از وزارت کشور و وزارت بهداشت، تقاضای کمک به آوارگان افغانی در نوار مرزی سیستان و بلوچستان را کردیم. کتبا از طریق نامه‌هایی با وزارت‌خانه‌های متبوع مکاتبه نمودیم. ولی متأسفانه در حدود چهل روز برای دریافت پاسخ نامه از وزارت بهداشت و درمان انتظار کشیدیم و جوابی دریافت نشد. مدیرعامل سازمان تصمیم گرفت شخصاً به مسئول مربوطه مراجعه کند. از ایشان درباره‌ی جواب نامه پرسیدند. به ایشان گفته شد که: ما پست برای شما می فرستیم! مدیرعامل سازمان، نگران و ناراحت، در حالی وزارت‌خانه را ترک کرد که از این سهل‌انگاری متحیر و مبهور شده، و تعداد بی‌شماری سؤال در ذهنشان نقش بسته بود. یکی از پرسش‌ها این است که چگونه امکان دارد که در محافل دولتی، چنین اعمالی انجام گیرد و دراین باره کسی احساس مسؤولیت نکند. امید است مسؤلین در انجام وظایف خود در رشد و شکوفایی کشور در سطح بین‌الملل و استفاده از نیروی متخصص بهره‌بردارای بیشتری انجام دهند.

طنز

از دیروز تا امروز

از دیروز تا امروز و از امروز تا فردا. کدام فردا؟ فردا برای چه کسی؟ فردا برای چه چیزی؟ زیاد حرف می‌زنی! خیلی سؤال می‌کنی! مگر سرت به نت زباید کرده؟ ... آقا یا ... ۲۸۰۰۰ مگر زبیرنا! فغان! ناله‌وتکنید. بیچاره‌ها از شام می‌هست. پس ایامودار باشید و با انگیزه درستان را بدهید. حال گوش دهید تا اشکالتان رفع شود. اشکال شما این است که معنی برخی واژه‌ها را نمی‌فهمید. عدالت اجتماعی یا نابرابری اجتماعی. تفاوت یا تبعیض. سعادت یا شقاوت. تجارت جسم و روح یا فلاکت معلم مدموح. رضایت یا رذالت. این مشکل شمامت. خیلی سروصدا می‌کنید. مخصوصاً شما معلم‌ها. فکر می‌کنید کی هستید؟ شما چه نقشی در صنعت دارید؟ جهان امروز جهان صنعت، فناوری، رایانه و اینترنت است. شما و آموزش‌های شما دیگر کارایی ندارد. سعی کنید این موضوع را درک کنید. دلم می‌گویی تولید ما نیروی انسانی است. تولید ما فکر است. کدام فکر؟ وقتی یک زلزله‌ای ۸ ریشتری در راضن فقط ۲۴۳ زخمی دارد اما در کشور ما: زلزله‌ی ۶/۳ بم. حدود پنجاه هزار کشته می‌شوند. یعنی نظام آموزش و پرورش ما نتوانسته انسان‌های بامسؤولیت و باوجدان و خدا ترس تربیت کند و تو هم در این مصیبت مقصر هستی. چنین به خاطر نمره‌ی ارزش‌یابی کوفتی یا جابه‌جایی، مدرسه است که اتکار مساوی خوردن جام شوکران است! زود تن به خفت می‌دهی! حالا جواب خدا را چه می‌دهی؟! فکر نکردی تأمین یک منفعت حقیر ارزش این مصیبت بزرگ و هو شدن در دنیا را ندارد؟ حالا مردم دنیا نمی‌گن مگه این تو المیادهای علمی مقام نیابردند. پس چرا در عمل تو عصر حجر زندگی می‌کنند؟ مگر تو از قول سعدی نمی‌گفتی عالم‌بی‌عمل به چه ماند؟ به زنبور بی‌عسل. اگر تو بر سر حق و حقوق خودت پای‌مردی می‌کردی امروز هم‌وطنان ما ناقابل زیر سقف خانه‌های خود دفن نمی‌شدند. نگفتی حاصل کار معلم ترسو و منفعت‌طلب، شاگردی با همین صفات است؟ حالا یک عمر پیشمونی بکش و بگو کاش ... ما اگر نیروی انسانی نخواهیم چه کسی را باید ببینیم؟ چیزی که فراوان است نیروی انسانی است. نیروی انسانی و افراد خلاق است به خصوص در کشور ما. این به آموزش‌های شما ربط چندانی ندارد و یا دقیق‌تر اصلاً ربطی ندارد. یک امر ذاتی و ارثی است. کیفیت آموزش‌هایتان هم که روز به روز پایین‌تر می‌آید. خودتان هم حتما قبول دارید که دیپلمه‌های قدیم از دیپلمه‌های کنونی از نظر علمی برترند. پس شما چه می‌کنید. فقط می‌توانید به نظام آموزش و پرورش که شیوه دانش آموز سالاری و تنبیل پروری را بخش‌نامه می‌کند، اعتراض کنید. تازه توقع افزایش حقوق و تسهیلات رفاهی مثل سایر کارمندان هم دارید. مگر نمی‌دانید تسهیلات رفاهی و حقوق مناسب فقط به کارمندان داده می‌شود. مگر شما هم کارمند هستید؟ به خودتان اجازه می‌دهید راجع به هر چیز نظر بدهید. اخیراً هم که دانما واژه‌های مد‌کور ورد زبان تان شده است. خودتان را با کارمندان دیگر مقایسه نکنید. اساساً این مقایسه غلط است. آن‌ها کار می‌کنند و زحمت می‌کشند و حق‌شان را می‌گیرند. شما چه؟ درست است که ساعت کار همه‌ی مشاغل طبق قانون کار در واحد کار وابسته به سازمان ملل تعیین شده است ولی ساعت کار شما را که همان سازمان بین‌المللی تعیین نموده، ما به میل خودمان تغییر می‌دهیم. در روزنامه‌ها و جراید هر روز صحبت از افزایش حقوق و مزایای شمامت. هر روز از قول مسؤلان گفته می‌شود معلمان قشر زحمت‌کشی هستند. بس نان نیست؟ چقدر پول برست شده‌اید؟ زیادطلب نباشید و شان خود را حفظ کنید و منتظر نصیحت‌های بعدی ما باشید.

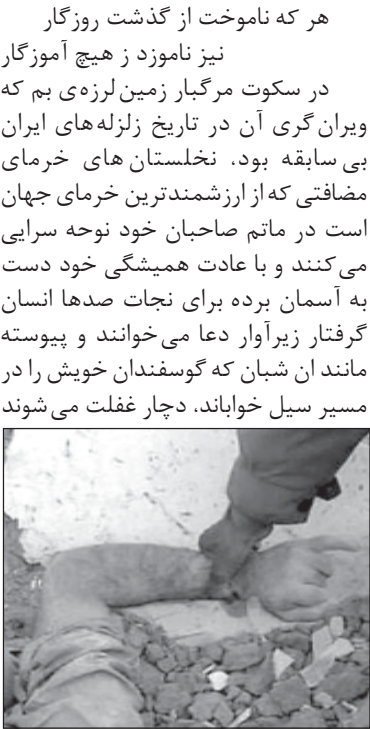
(مضا محفوظ)

وقتی انرژی انباشته زیر پوسته‌ی زمین آزاد می‌شود، در پوسته‌ی خارجی زمین لرزش و بالطبع تخریب و ویرانی خواهد داشت. آیا آزاد شدن انرژی به صورت گهگاه جز حرکت موزون پدیده‌های طبیعی است؟ و بااین‌امور خارج از اراده و مشیت‌الهی صورت می‌گیرد؟ آیا زلزله‌های هولناک و سیلاب‌های وحشتناک برای نابودی موجوداتی که زیستگاه آن‌ها کره‌خاکی است خلق می‌شوند؟ آیا آفرینش در کمال زیبایی نهایتش نابودی، آن‌هم به شکل فاجعه‌است؟ آیا آموزه‌های الهی، کشتن تک تن را به منزله‌ی نابودکردن جامعه‌ای نمی‌پندارد؟ در این صورت عظمت قدرت خداوندی در قالب لطافت هستی‌بخشی او چه می‌شود؟ آیا کشتار و نابودی انبای بشر، آن‌هم به‌صورت وحشتناک‌دور از رحمتی خداوندی نیست؟ اگر از منظر عقلایت به این‌ها نگاه پدیده‌ها، بنگریم، برداشت ما از وقوع چنین حوادثی به گونه‌ای خواهد بود که نابودی چند هزار نفر در یک لحظه زیر خورارها آوار دور از خواست خداوندی است، و اگر پنداری به‌غلط خواست خداوند را مبنی بر نابودی تلقی نماید، کفر محض است! زیرا او که احساس درد، احساس نوع‌دوستی و فطرت خداپرستی را در وجود انسان به ودیعه نهاده، به وی عقل و اندیشه و شعور و امکانات فراوان عطا فرموده‌است. طبیعت تحت فرمان، بدون چون و چرا، به حیات تکوینی خود ادامه می‌دهد و اگر هر از گاهی جزئی از انرژی انباشته‌ی زمین را در گوشه‌ای از این کره خاکی آزاد می‌کند، این یک پدیده‌ی اجتناب‌ناپذیر و عین صواب خلقت است. که اگر این انرژی‌های جزئی در زمان‌های مختلف آزاد نشود و متراکم گردد، به ناگهان قادر خواهد بود کره زمین را از هم پاشیدو نابود نماید. بنابراین بروز چنین حوادث تلخ به صورت مدام در مناطق مختلف زمین مسیر صحیح طبیعت، از حیات است. پس چاره

چست؟ امروز بشر در سایه علم به اندازه‌ای توانمند شده‌است که با استفاده از ابزار اندیشه و عقل، به خوبی توانسته‌این پدیده‌های سهمگین را به همسایگی خود بپذیرفتو در کنار آن‌ها به حیات پروغه‌ای خویش ادامه



هر که ناموخت از گذشت روزگار نیز ناموزد ز هیچ آموزگار در سکوت مرگبار زمین لرزه‌ی بم که ویران‌گری آن در تاریخ زلزله‌های ایران بی‌سابقه بود، نخلستان‌های خرمای مضافتی که از ارزشمندترین خرمای جهان است در ماتم صاحبان خود نوحه سرایی می‌کنند و با عادت همیشگی خود دست به آسمان برده برای نجات صدها انسان گرفتار زیرآوار دعا می‌خوانند و بیوسمه، مانند ان شبان که گوسفندان خویش را در مسیر سیل خواباند، دچار غفلت می‌شوند



و به محکم کاری محل زندگی خویش نمی‌پردازند. او که از بیشترین ثروت و

دهد بشر توانمند امروز از زلزله و سیل نمی‌هراسد و از آن‌ها فرار نمی‌کند و روی امواج خطرناک آن‌هم خانه نمی‌سازد، بلکه با تکیه بر علومی مثل ژئوفیزیک راه خروج و گسل‌های موجود و ناشی از زلزله را شناسایی و با فهم عمیق از ویرانگری حاصل از آن، مهندسی ساخت و ساز را در کمال صداقت و قانون‌مندی چنان به کار گرفته که زلزله را حس می‌کند، می‌بیند ولی هراسی به‌دل راه‌نمی‌دهد. آن‌چه می‌گویم رؤیانیست، شما نگاهی کوتاه‌به شرق کره خاک، کشور ژاپن که در واقع خانه‌ی زلزله است بیفتد؛ می‌بینید لهر در آنجا زلزله‌ای به بزرگی ۸ ریشتر اتفاق می‌افتد و فقط ۲۴۳ نفر زخمی می‌شوند و بااین‌نگاهی به طرف غرب داشته‌باشید خواهید یافت در آمریکا چند ماه گذشته زلزله‌ای به بزرگی حدود ۶ ریشتر قسمتی از آن کشور را تکان می‌دهد و تنها به تعداد انگشتان دست از خود بی‌بی‌بی‌سی (۸/۱۰۶/۸۷۱) اگر این امور تنبیهی است که

خداوند بر انسان‌ها روا می‌دارد، چرا ما و امثال ما دچار مصیبت و بلا می‌شویم و بااین ممالک تحصیل‌کرده و متخصص‌دارند و ما فاقد آنیم؟ باید گفت هیچ یک از این دو پیش‌فرض درست نیستند، چون ملت ما با خداوند سر ستیز ندارد که در راه او از هر آن چه دارد می‌گذرد، و از لحاظ علمی، فریخته‌و اندیشمند هم کم

نداریم. زیرا اگر همه آکادمی‌های صاحب‌نام جهان را مورد مطالعه قرار دهیم، کرسی‌های مطالعاتی و سروری صاحب‌نظر و محقق کمال‌ایرانی‌ها را خواهیم یافت. پس چرا چنین است؟ این امر ناشی از پدیده‌ی نامیومن ارباب و رعیتی است که سهو استفاده حکام در طول تاریخ و ضعف آگاهی توده مردم از حق و حقوق خویش را به دنبال داشته‌ما یک ملت تاریخی هستیم که همیشه پنجه در پنجه‌ی حکام و صاحبان زر و زور داشته‌ایم ولی در این مسیر طولانی راه انسانی حقوق خویش را به طریق قانون‌مند و از طریق مسالمت و دموکراسی نیاموخته‌ایم. ببینید احساسات نوع‌دوستانه‌ی ملت ما چنان قوی است که در بزنگاه محصولات متنوع تولید می‌کند بیشتر است؟ پس

فرهنگیان

چرا یک پدیده طبیعی به فاجعه تبدیل می شود؟

♦ تیمور منصوری



هیچ‌گاه با یک عقلایت‌متکی بر تحقیق و پژوهش علت را بی‌گیری نمی‌کنیم. هیچگاه از مسؤولین انسان‌دوستانه توام می‌کنیم و وظیفه‌ی نسبی خود را در حد توان به انجام می‌رسانیم. این عمل زیبا قابل تحسین و تکریم است اما یک عمل مقطعی و موجی است. در طول تاریخ حیوانات‌با‌برخورد چنین حوادثی اشک می‌ریزم بلکه اتفاقی است که در طول زمان رخ می‌دهد. اما دولت کریمه اسلامی که داعیه مردم‌دوستی و خدابپرستی دارد، در طول این ۲۵ سال برای کاهش خسارت‌های مالی و جانی ناشی از این پدیده طبیعی چه تمهیداتی را اندیشیده؟ آیا در زمان وقوع حادثه و چند روزی پس از آن وظیفه صدا و سیما که به قول امام(ره) دانشگاه بزرگ این ملت است، فقط تحریک احساسات مردم و عجز و لایه‌گریه و زاری است؟ آیا جهت حرکت حزن‌انگیز و احساس‌برانگیز از نظر عقلایت مقبولیت دارد؟ آیا در طول این مدت مسؤولینی که از هر جهت وظایفشان مرتبط به این امور است مورد سؤال و جراحی قرار می‌گیرند؟ چرا از مجریان و مدعوین تلویزیون مکرر شنیده‌می‌شود که این امتحان الهی است؟ آیا خداوند فقط کوخ‌نشینان را مورد امتحان و آزمایش قرار می‌دهد؟ چرا فیلسوف‌هایثه سعی می‌کنیم مسؤولیت‌ها را نادیده بگیریم، چرا زلزله کا‌ها و شبه کا‌ها را ویران نمی‌کنند؟ وقتی به مخروبه‌های پس از زلزله نگاه می‌کنی آیا جز تل خاکی از خانه‌های فرسوده و بی‌استحکام چیز دیگری را می‌بینی؟ این چه معنی دارد؟ آیا این کوخ‌نشینان فقط برای گریه و زاری و ماتم خلق شده‌اند؟ یا وسیله‌ای برای تخدیر دینی بازماندگان؟ آیا سهم این بخت برگشتگان و میلیون‌ها میلیون از احاد جامعه از این همه علم و دانش، سرچشمه‌ای هنگفت می‌کنی؟ ممالکت یک سرانه چند متر مربعی نیست؟ چه کسانی حقوق این افراد را چپاول می‌کنند؟ دولت‌مردان ما که اهل کرامت هستند، با قرآن و خدا سروکار دارند پس چرا حکومت آن‌ها بر جامعه‌جرعه‌ای از عدالت یافته‌ی (ر) بر این مردم تراوش نمی‌کند؟

تاریخ را آینه‌ی عبرت قرار داده، طریق صواب را از ناصواب ممیز کرده‌ا در صواب را در مسیر رشد و اعتدالی جامعه در پیش می‌گیرد. دوم غلبه‌ی احساسات توده‌ای بر عقلایت آن است. جامعه‌ی ما متأسفانه در برابر حرکات خلاف قانونی حکام عقلاانه برخورد نمی‌کند، بلکه دیده‌می‌شود، خلاف حکومتی را به صورت توده‌ای با خلفی متقابل پاسخ می‌دهد. این پدیده نادرست بر هیچ‌کس پوشیده‌نیست و در زندگی روزمره بااین‌امور بسیار سروکار داشته و داریم، و الا جامعه می‌تواند با یک عقل جمعی از مردان حکومت توضیح خواهد که چرا زلزله با آن بزرگی در کشور ژاپن و آمریکا فاجعه نمی‌آفریند ولی در کشور ما مصیبت و بلا پدید می‌آورد، ماتم و عزا می‌آفریند، واقعا چرا؟ آیا ژاپن ذخایر عظیم نفتی با حجم عظیمی از انبان گاز طبیعی دارد و یا دارای معادن سرشار فلزات ذی‌قیمت است؟ یا خاک حاصل‌خیز کشاورزی او از خاک پهناور ما که کریمان‌ه در چهار فصل سال محصولات متنوع تولید می‌کند بیشتر است؟ پس

نخلستان سوگوار بم

♦ خبرنگار قلم معلم در کرمان، مجید نادری

هم‌چون دیگر کشورهای پیشرفته که در مقابل زلزله‌های بسیار قوی‌تر حتی یک کشته هم نمی‌دهند به چاره‌اندیشی نمی‌پردازن؛ تاوان خون این همه انسان بی‌گناه را چه کسی خواهد پرداخت؟ تو که در حاشیه

- پیدا کردن هزار نفر زنده از زیر آوار توسط سگ‌های زنده‌یاب اروپایی‌ها شایان توجه است.

- طول کشیدن ۷ ساعت تا رسیدن از کرمان به بم برای محموله‌های مورد نیاز مردم بم به علت ترافیک جاده‌ی حدود ۲۰۰ کیلومتری نیز قابل توجه است.

- به گفته فرماندار بم جمعیت این شهر حدود ۹۰ هزار نفر بوده است.

- مردم شهر کرمان به دنبال شایعه‌ی وقوع زلزله در پارک‌ها و خیابان‌ها خوابیدند.

در حاشیه

♦♦♦

مطالبات معلمان و هجمه فرهنگی

♦ (ح. فخرایی)

شجاع، مقهور، مسؤؤل و متعهد، مدیر و مدبر، ساعی و تلاش‌گر و دلسوز برای خانواده و جامعه باشند و در همه‌ی بحران‌ها و خطرات، از کشور قهرمانانه دفاع نمایند. در هر حال خواسته‌های معلمان حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب می‌باشد که به جهت جلوگیری از اطلالی کلام، تنها به چند مورد اشاره می‌گردد:

۱- وضعیت نامطلوب مطالب کتب درسی هیچگونه نزدیکی و سنخیتی بافکته‌ذهنی و روحی دانش‌آموزان ندارد و بر آنان تحمیل شده‌است.

۲- نحوه‌فرایند تدریس که غالباً به‌صورت یک

همانگونه که در حرکت‌های دو سال گذشته شاهد بودیم از مسؤولین رده اول نظام تا پایین‌ترین رده‌ها و اقتضای مختلف مردم، این حرکت را حق معلمین دانسته و پیوسته مورد حمایت قرار داده‌اند و این خود بزرگ‌ترین گواہ بر مسئولیت و محرومیت این قشر عظیم و مؤثر در جامعه می‌باشد

جلبه و شیوه‌ی سخنرانی می‌باشد و نظر و فکر دانش‌آموزان به مشارکت و مشاورت گرفته نمی‌شود.

۳- نحوه‌ی گزینش مسؤولان و مدیران از صدر

سه‌شنبه ۱۶ دی ۸۲ - سال اول - شماره ۱۰

باتشکل‌ها

چرا فرهنگیان کشور باید از تشکل‌های صنفی اصیل حمایت فکری و عملی به عمل آورند؟

♦ غلامحسین ذکری آستانه

(الف) مقدمه:

۱- خداوند در قرآن می‌فرماید: به درستی که سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهیم، مگر آن‌که خود آن قوم سرنوشت خود را تغییر دهند.

۲- حضرت علی(ع) در ۱۴۰۰ سال قبل، اولین خشت بنای مردم‌سالاری را با ۴ جمله کوتاه بیان فرمودند: "مردمان جامعه اصلاح نمی‌شوند مگر آن‌که زمامداران جامعه اصلاح شوند، زمامداران جامعه اصلاح نمی‌شوند مگر آن‌که مردم بر کار آن‌ها نظارت نمایند."

(ب) پردازش:

ارزبایی عملکرد احزاب در قبل و بعد از انقلاب، هر شهروند مطلع از متقاعد می‌سازد که شکل‌گیری احزاب قوی و واقعی در کوتاه‌مدت و به‌فوریت امکان‌پذیر نیست. حزب توده با پایگاه خوب مردمی وضعیتی را به وجود آورد که سالیان طولانی اثر کار حزبی بر جامعه ایران منفی و بازدارنده خواهد بود. حزب‌های فرمایشی و طالب قدرت در زمان رژیم سلطنتی نیز که فقط در موسم انتخابات برای کسب موقعیت‌های سیاسی، اقتصادی فعال می‌شوند با تشکیل حزب رسوای ستاخیز به بی‌اعتمادی کامل مردم ایران به احزاب سیاسی منجر گردید. پس از انقلاب اسلامی نیز متأسفانه افراد علاقمند به فعالیت‌های سیاسی احزاب را به صورت گزینشی و در فضای قدرت جناحی و باندى تشکیل داده و هیچ توجهی سهوا یا عمدآ به مردم از پایین هرم نداشتند. به همین دلیل احزاب قوی با پایگاه مردمی قابل دفاع تاکنون شکل نگرفته‌است.

به دلایل بالا بر نخبگان دلسوز و مردمی جامعه در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، علمی و تخصصی و فرهنگی فرض است، تشکل‌های صنفی را که هزینه‌ی بسیار کمتری دارد به سرعت توسعه داده و تقویت نمایند. چنانچه تشکل‌های صنفی در اقتشار و گروه‌های مختلف اجتماعی به ویژه فرهنگیان نهادینه گردد، علاوه بر نظارت سازمان یافته‌ی مردمی بر کار زمامداران و مسؤولان، باعث می‌شود به تدریج افراد آموزش‌دیده در تشکل‌های صنفی زمینه تشکیل احزاب قوی از پایین به بالا از جمله حزب سیاسی معلم و استاد فراهم آید.

(ج) نتیجه‌گیری:

چون معلمان از گروه‌های مرجع در جامعه هستند، فعالیت‌های صنفی آن‌ها می‌تواند سایر گروه‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد که یک نمونه‌ی آن جریان‌تأصب فرهنگیان در سال ۱۳۴۰ مندرج در هفته‌نامه‌ی "قلم معلم" شماره ۶ می‌باشد. معلمان کشور به دلایل تاریخی و عقلی برای سعادت و بهروزی خود و کل مردم ایران ناگزیرند تشکل‌های صنفی اصیل خود به منظور نهادینه کردن نظارت سازمان‌یافته مردمی بر کار مسؤولان با علاقه‌مندى تمام تقویت نمایند. بر کلیه‌ی فرهنگیان کشور واجب است تا در کلیه‌ی جلسات آموزشی، تخصصی، صنفی از بخش‌های پراکنده و از قبل اندیشه نشده خودداری و موضوعات اساسی را مورد توجه و همگرایی قرار دهند. در غیر این صورت روند نظارت سازمان‌یافته مردمی، با هدف مردم‌سالاری و توسعه‌ی جامع ایران باز هم به عقب خواهد افتاد.

قلم چاسوس(۱)

صندوق ذخیره

♦ عادل حسینی

این نشریه و چند تایی دیگه چند وقت پیشا گیر داده بودن به این بنده‌ی خدا صندوق‌دار اداره فرهنگ که کار توای می‌کنه و پول ذخیره می‌کنه واسه دنیا و آخرت این عملهای نمک‌نشناس! بنده‌ی خدا دست بر قضا اونم مکه رفته و شده "حاجی"! خلاصه پایپچش شده بودن که این برج ۲۹ طبقه مال کیه؟ اونم راست و حسینی گفته بود ۲۰ درصد مال مقامات (یعنی خودش و داداشش) و ۸۰ درصد مال عملهای سرمایه‌داره! خبرنگار سمج که ول‌کن قضیه نبود، باز پرسیده بود شما این ۸۰ درصد سرمایه‌ی دو معلما رو تضمین می‌کنین، که جواب بلند بالای نه‌حقوقی راشنیده‌بو!! خلاصه این‌که چند تا سؤال بود دار دیگه هم پرسیده بود، مثل اون یک درصد ناقابل سهم ایشان و مجمع عمومی و این جور حرفا. حقیقتاً تا سری آدما چشم دیدن جایی رو که رفاقتی و داداشی داره اداره می‌شه رو ندانن!!!

تعمیر

سر مشق زندگیست

www.moalleman.com

هفته‌نامه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی

مصاحبه با استاد

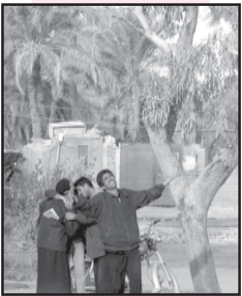
شجریان



ادب و هنر

نخلستان سوگوار

بم



فرهنگیان

خاطرات و

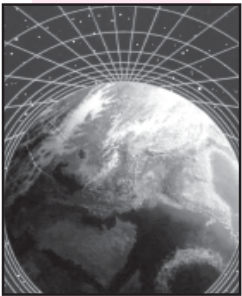
خطرات



گزارش

حرکت جوهری و تجدد

امثال(۲)



اندیشه

قیمت ۱۰۰ تومان

۸صفحه

سه‌شنبه ۱۶ دی ۸۲ - سال اول - شماره ۱۰

بودجه آموزش و پرورش در حال بررسی است

نمایندگان مجلس وعده‌های داده شده را از یاد نبرند

دو سال است که شاهد وعده‌های تکراری مسئولان کشور در زمینه ترمیم حقوق فرهنگیان، رفع تبعیض و تصویب نظام جدید هماهنگ پرداخت هستیم. «قلم معلم» طی دو شماره مشروح مذاکرات نمایندگان تشکل های صنفی را در مقابل مسئولان سازمان مدیریت منعکس نمود هنوز سخنان دکتر صدیقی و کیارشی را از یاد نبرده‌ایم که به کرات در جلسه مذکور وعده داده بودند طرح‌های فوق را تا پایان آبان‌ماه به هیأت دولت و مجلس و نمایندگان تشکل‌ها ارائه خواهند داد. اما این وعده‌ها هم همانند بسیاری از وعده‌های دیگر به فراموشی سپرده شد و گویی از دیدگاه این بزرگان، معلمان و نمایندگاننامحرمند و نبایستی در جریان مسایل حقوقی مربوط به خودشان قرار گیرند. به امید این‌که نمایندگان ملت در این موقعیت حساس به وظیفه خود عمل نمایند و حقوق واقعی فرهنگیان را احیا کنند.

تیترمطالب

مطالبات معلمان و

هجمه فرهنگی

صفحه ۶

دیدار با رئیس

جمهور(۲)

صفحه ۳

پژوهشی در تمرکز

حواس دانش آموزان

صفحه ۴

دبیر کل کانون

صنفی معلمان

ایران به دادگاه

انقلاب احضار شد

صفحه ۴

حدود ۸ هزار دانش آموز

و ۲ هزار معلم در فاجعه

بم جان باخته‌اند

صفحه ۴

سر مقاله

ثبات قدم معلمان

در مطالبات



در تاریخ، انسان‌های ماندنی کسانی

بودند که در عمر خویش و در راهی که پیش گرفته‌اند، ثابت قدم بوده‌اند.

مطالعه‌ی روند و حرکت صنفی در این عصر و زمانه نشان می‌دهد که یکی از اسباب ناکامی خواسته‌ها و مطالبات، فقدان ثبات قدم، در فکر و یا در بی‌گیری عمل بوده است، وقتی ثبات قدم نباشد البته رشد آدمی نیز ناممکن می‌گردد. در پرورش انسان‌ها و به دست آوردن آرمان‌ها، بزرگان، استمرار در فعالیت‌ها را یادآوری کرده‌اند. به صرف پند و اندرز و بیان اهمیت آن، ثبات قدم به وجود نمی‌آید، بلکه لازم است بینش و تفکر و مجموعه‌ی اطلاعات درستی داشته باشیم

که با تمرین و خودسازی توأم باشد، تا نتیجه‌بخش و از سختی‌راه نهراسیم و راه را در نیمه رها نکنیم. یکی از عوامل بی‌ثباتی معلمان، جمع دوستان و همکاران و نیز شناخت نادرست از محیط اجتماعی و اقتصادی خود است که باعث می‌گردد به روزمرگی دچار شوند. ما شاهد هستیم تعدادی از همکاران که در تشکل‌های صنفی فعال نیستند، بارها جمع‌هایی تشکیل داده و بحث‌ها و گفتگوهایی می‌کنند؛ اما کار را یا در آغاز و یا در نیمه رها می‌کنند. ما باید اسباب ذهنی و عینی را برای تمام کردن پیگیری مطالبات صنفی خود برשמایم و جدولی از برنامه‌ها و میزان فعالیت‌های انجام شده را تنظیم کنیم. مسوولان تشکل‌ها و معلمان از اهمال و لاقیدی اعمالی که مأمور انجام‌شان هستند، پرهیز کنند و کار را تا آخر انجام دهند و مراقبت و نظارت به انجام تصمیمات و کارهایی که افراد و تشکل‌ها تعهد کرده‌اند داشته باشند تا ناهماهنگی در روش‌ها کاهش یابد. مسأله مهم و اساسی که معلمان باید در نظر داشته باشند سازگاری میان هدف‌های اصلی و مهم و هدف‌های فرعی است در غیر این صورت موجب بی‌استقامتی و ناپاوری می‌گردد. باردیگر به این نتیجه می‌رسیم که داشتن بینش صحیح، نقش تعیین‌کننده‌ای برای تشکل‌ها دارد. امید است با تکیه بر عواملی چون با هم بودن و ثبات قدم به هدف‌های صنفی خود برسیم.

به امید آن روز

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی و

فوق العاده‌ی کانون صنفی معلمان

ایران

نوبت دوم

دستور جلسه: ۱- اصلاح اساسنامه ۲- گزارش عملکرد

کانون توسط دبیرکل و بازررس ۳- برگزاری انتخابات

هیئت مدیره، بازرسان و علی‌البدل.

زمان: چهارشنبه ۸۲/۱۰/۱۷ از ساعت ۳ بعداز ظهر الی ۶

مکان:

خ دکتر بهشتی-اندیشه‌ی اصلی-خ اندیشه‌ی پنجم- خانه‌ی معلم منطقه‌ی ۷ تهران

جناب آقای غلامرضا علی محمدی

همکار محترم منطقه ۱۶ درگذشت جانسوز پدر

گرامیتان را تسلیت عرض می‌نمائیم

از طرف قلم معلم و همه همکاران فرهنگی

قتل مرحوم دکتر ابوالحسن خانعلی و مرحوج شدن سه نفر از معلمان دیگر و دانش‌آموزان رخ داد.

به دنبال این حادثه خونین که معلمان قیلا فقط خواستار حقوق بیشتر بودند، تقاضای دیگری نیز به درخواستهای خود اضافه کردند



واعلام داشتند تا روزی که کلیه خواست‌های آنان عملی نگردد. از اعتصاب دست برنخواهند داشت.

تقاضای آنان عبارت بود از: سقوط دولت شریف امامی؛

ادامه در صفحه ۸

در سوگ بم (به مناسبت در گذشت ۱۰۰۰۰ دانش آموز و معلم در بم)

و نبلونکم ایکم احسن عملا

به اطلاع کلیه‌ی هم‌وطنان عزیز بویژه فرهنگیان گرامی می‌رساند:

به مناسبت واقعه‌ی جانگداز زلزله‌ی بم، مجلس یادبودی، در روز

پنج‌شنبه مورخ ۸۲/۱۰/۱۸ از ساعت ۳ الی ۴/۳۰ در مسجد امام حسین (ع)

واقع در میدان امام حسین (ع) برگزار می‌گردد.

امید است با حضور گسترده‌ی خود مرهمی بر دل داغدیدگان این واقعه

باشیم.

کانون صنفی معلمان ایران

اطلاعیه

از آن جایی که به دلیل فشارهای وارده، مرکز فعالیت‌های داوطلبانه‌ی شهرداری تهران از برگزاری جلسات عمومی و هفتگی کانون صنفی معلمان ایران ممانعت بعمل آورده است. ضمن اظهار تاسف، به اطلاع همکاران می‌رساند که تا تهیه‌ی مکان جدید، جلسات هفتگی برگزار نخواهد شد. امید است مسوولان محترم در رفتار خود تجدیدنظر بعمل آورند.

لازم به ذکر است که به زودی برنامه‌ی زمان‌بندی شده حضور هیئت مدیره‌ی کانون در مناطق مختلف آموزش و پرورش تهران به اطلاع همکاران خواهد رسید.

کانون صنفی معلمان ایران

جناب آقای سید مجید صنیع خانی

همکار محترم منطقه ۱۶ درگذشت جانسوز

برادرزاده‌ی گرامیتان را در حادثه‌ی تاسف‌بار زلزله

بم تسلیت عرض می‌نمائیم

از طرف قلم معلم و همه همکاران فرهنگی

دیدگاه

از رنجی که می‌بریم

♦(علی اصغر ذاتی)



سخن ما فرهنگیان

فریاد نیست معلم تهی دست نیست. تهدید اجتماعی نمی‌باشد. خواسته فرهنگیان فراتر از ترجم یا کم توجهی است. تعطیل بردار هم نیست. رفع تبعیض.

مشارکت و تصمیم‌سازی و رسیدن به امکانات متناسب با ویژگی حرفه‌ی نفوذمند و تأثیرگذار معلم از جمله خواسته‌های برحق معلمان است. فرهنگیان از جمله لایه‌های میانه‌ی طبقه متوسط فرهنگی به شمار می‌روند و از گروه‌های مؤثر در تحولات اجتماعی به ویژه در ایران می‌باشند که البته از شرایط اجتماعی و صنفی و کاستی‌ها و محدودیت‌های گسترده در عرصه فرهنگ و حقوق اساسی همگانی و مشکلات ساختاری حاکم بر نظام آموزشی نیز رنج می‌برند. فرهنگیان نسبت به شرایط، ناکامی‌ها و چشم‌انداز موجود بی‌تفاوت نیستند و اثر بخشی معلمان دور از چشم نیست. چشمان فرهنگیان همه چیز را سیاه و سفید نمی‌بیند. رنگ‌ها در چشمان انسانی و مهربان معلم زیبا و رنگارنگ نقش می‌بندد، حتی اگر خسته باشد و صبر طاقتش را برده باشد، حداقل بهتر است که چنین باشد. کلام معلم اصلاح‌گر است. معلم هم انسان است و می‌آموزد و می‌آزماید تا بداند و بیاموزد. شورای هماهنگی تشکل کانون‌های صنفی معلمان سراسر کشور در همایش ۲۰ آذر اعلام کرد، چنانچه اقدام مؤثر از سوی مسوولان صورت نگیرد، نسبت به برگزاری تجمع قانونی در هفته‌ی اول دی‌ماه در تهران، درخواست مجوز می‌کند و اکنون که مسوولان با برگزاری هر تجمع رسمی از سوی فرهنگیان مخالفت کرده‌اند. با توجه به فرصت تنظیم بودجه در مجلس و برنامه چهارم و ۲۰ ساله، درخواست می‌شود که معلمان ارتباطات فردی، منظم و هدفمند خود را در حمایت از فعالیت‌های صنفی گسترش دهند. هفته نامه قلم معلم را به عنوان حداقل تریبون معلمان مستقل از جریان‌های قدرت را حمایت کنیم و هر هفته سه‌شنبه‌ها از ده‌روزنامه فروشی آن را بخواهیم و مطالعه‌ی آن را به دیگر معلمان سفارش کنیم تا این نشریه با امکانات کم خود به عنوان صدایی از معلم باقی بماند. در مورد افزایش ارتباطات اجتماعی فرهنگیان نیز مطوعه‌ی مطلوب است که هر معلم حداقل با دو همکار در مقطع دیگر راهنمایی، ابتدایی یا دبیرستان در تهران ارتباط برقرار کند. آموزگاران ابتدایی و زنان معلم در زمینه‌ی مشکلات صنفی فعال شوند. در شرایطی که تقریبا هیچ کدام از رسانه‌ها و مطبوعات، اخبار فعالیت‌های اجتماعی و صنفی و مدنی فرهنگیان را به جرم غیرسیاسی بودن در سطح کشور منتشر نمی‌کنند و از سوی دیگر معلمان نسبت به فعالیت‌های صنفی انجام شده، نتایج یا برنامه‌های آینده‌ی کانون صنفی اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. بسیاری از معلمان، نام تشکل‌های فرهنگیان را نیز نمی‌دانند و معتقدند که در این شرایط حتی فعالیت صنفی هم نتیجه‌ای ندارد و این در هنگامی است که گسترش و همکاری و ایجاد ارتباط و اطلاع‌رسانی کانون با معلمان با محدودیت و مشکلات زیادی روبرو است و شرایط موجود ارتباط بین معلمان تهران را محدود و کم اثر کرده است.

طی دهه‌ی گذشته از سوی مجموعه‌ی حاکمیت، تلاش مؤثر و کارسازی در زمینه‌ی به سامان کردن خواسته‌ها و حل مشکلات فرهنگیان صورت نگرفته است. فرهنگیان کشور کم نیستند، بیش از یک میلیون نفر معلم‌اند که در سراسر کشور با میلیون‌ها دانش‌آموز و خانواده‌های آن‌ها ارتباط دارند و در تهران حدود سیمدهزار نفر فرهنگی مشغول به کارند و از دیدگاه هر صاحب‌نظری، علت اصلی کم توجهی به خواسته‌های فرهنگیان، ضعف ارتباط و همبستگی معلمان و همچنین اعتماد نداشتن به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و حمایت نکردن از برنامه‌های تشکل‌ها و کانون صنفی است. در ماه‌های پایانی سال ۸۰ فرهنگیان تهران، حرکت‌های اعتراضی مؤثری برگزار کردند که رویکرد مشارکت‌جویانه داشت، اما به دلیل کم‌توجهی جریان اصلاح طلب به نقش اجتماعی و مجموعه حاکمیت نیز راه سرکوب را پیش گرفت. بیشتر معلمان از سر دلتنگی راه سکوت و ناامیدی از فعالیت اجتماعی و حتی صنفی و دور شدن بیشتر از صحنه را در پیش گرفتند و اندک افزایش درآمد، پاسخ حقوق از دست رفته فرهنگیان نبود؛ اما دستاورد مهم آن تغییر نگرش عمومی مردم نسبت به وابستگی بسیاری از فرهنگیان به

ادامه در صفحه ۳



www.moalleman.com

نامه رسیده



یادگرفتن یا حفظ کردن

با سلام خدمت نشریه‌ی قلم معلم می‌خواستم در مورد یادگیری و حفظ کردن مطالب درسی دانش‌آموزان ابتدایی و راهنمایی به‌اولیا پاسخی داده شود. چون وقتی به مریمان اعتراضی می‌کنیم می‌گویند به ما ربطی ندارد و این بخش‌نامه‌ای از طرف اداره آموزشی و پرورش است چه این روش درست باشد چه غلط ما فقط انجام وظیفه می‌کنیم. آیا آموزش و پرورش تلاش می‌کند کودکان ما که آینده سازان کشور خواهند بود مطالب درسی را حفظ کنند و بعد از مدتی فراموش کنند یا اینکه می‌خواهند دانش‌آموزان مفهوم درسی و مطالب آن را درک کنند. دانش‌آموزانی که تا کلاس سوم ابتدایی با معدل ۲۰ قبول می‌شوند، به محض ورود به کلاس چهارم افت قابل توجهی پیدا می‌کند، به طوری که نمرات این دانش‌آموزان همیشه ۲۰ بوده و با دیدن نمرات ۱۳ و ۱۴ و همیشه روحیه‌ی خود را می‌بازند و مدام معلمین می‌گویند کلاس چهارم مشکل تراست و با اول و دوم و سوم فرق می‌کند آیا غیر از این است که دو کتاب امضا شده و به جای امتحان شفاهی می‌داندند امتحان کتبی می‌دهند اگر مریمان اینقدر سخت‌گیری نکنند و تنها مفهوم سؤال را از کودکان بخواهند بچه‌ها اینقدر افت نمی‌کنند و نمرات قبلی خود را می‌گیرند. نه اینکه به خاطر یک کلمه جا انداختن و یا کمتر و بیشتر نوشتن و یا غلط املائی نصف نمره را از دست می‌دهند.

تمام اولیا از این وضعیت ناراضی و معترض هستند. ولی کاری از دستشان بر نمی‌آید. چون هیچ کسی به حرف آن‌ها گوش نمی‌دهد و هر کس کار خود را می‌کند. تا اینکه عده‌ای از اولیا تصمیم گرفتیم از طریق روزنامه از مسئولین بخواهیم که شاید رسیدگی کنند. ما از آموزش و پرورش به خصوص منطقه‌ی ۱۴ تهران خواهشمندیم که دانش‌آموزان را به یادگیری تشویق کنند که تمام عمر باقی می‌ماند نه حفظ کردن مطالب که بعد از چند صباحی فراموش می‌شود. متشکریم.

از طرف عده‌ای از مادران دانش‌آموزان

اسامی دوستانی که مقالات، نامه‌ها و پیام‌هایشان را دریافت کردیم:

قنبر حاجی‌وند (میان‌دوآب) - عمر محمدی (اشنویه) - خادم - علی‌اکبر کیانی‌پناه (منطقه‌ی ۱۵) - کانون شوستر - صیدی (تهران) - سلطانی - کریم شیران - محمود دانشمند (قاضی بازنشسته) - نسیم ادریسی - علی‌اکبری پرورشی - هوشیار رزم‌آزما- رزاق‌مس پور (کانون زنجان) -احمد صادقی - مجید نادری (کرمان) - محمدرضا زعیمان (یزد) - عبدالله ابرائینور (مبارکه) - رضا امدادی (یزد) - رسول جلیلی (منطقه‌ی ۸ تهران) - علی‌اصغر محمدی - صندوق ذخیره‌ی فرهنگیان - سعید متولی - علیرزاده‌ی اسکویی (تبریز) - مجید نادری - امیر حکیم‌ایمانی و همسرشان - رضا اخوان - نعمت‌الله رحمانپور - سیدعلی‌اکبر میرحسینی - جمعی از فرهنگیان شاهرود - علی ایمانی - رسول گلچین - محمود نادبی - بهمن آلیاری - حسین ربیع‌پور.

قابل توجه خوانندگان محترم

ضمن تشکر از همکاران و همراهانی که با ارسال مقالات و نامه‌های خود، ما را در هر چه برابرت کردن نشریه یاری می‌نمایند، از دوستان عزیز تقاضای می‌شود که به نکات زیر توجه فرمایند:

۱-تام و نام‌خانوادگی و شماره تماس خود را حتماً ذکر فرمایید.

۲-در صورت عدم تمایل به ذکر نام در نشریه، این نکته را قید نمایید.

۳-لطفاً صفحه‌ای را که تمایل دارید مطالب شما در آن صفحه درج شود ذکر فرمایید.

۴-قبیل از ارسال مطالب حتماً آن‌ها را بازخوانی، ویراستاری و پاک‌نویس نمایید.

۵-توجه‌نمایید که مقالات و نامه‌های فرستاده شده در آرشيو نشریه نگهداری می‌شود و به هیچ وجه مستر نخواهد شد.

۶-نشریه در تلخیص قسمت‌هایی از مطالب ارسالی آزاد است.

نکته‌ها...

به شاگردان خود، جرات اظهارنظر را بیاموزید، حتی اگر به مخالفت با نظر شما برانگیخته شوند.
یکی از فلاسفه معاصر می‌گوید:
«شاگردی که بر استاد خویش نشودر استادش را درک نکرده است»

فرهنگ لغات مدرسه

آموزش ضمن خدمت:
مجموعه فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزشی برای معلمان در طول سال‌های خدمت است که مهارت‌های درون‌زا و خود‌انگیخته‌ی آن‌ها را به مهارت‌های برون‌زا، برای گرفتن گروه و پایه سودافزا تبدیل می‌کند.

مصاحبه و گزارش

گریودار چند نفر زخمی شدند و دبیر دبیرستان جامی دکتر عبدالحسین خانعلی به ضرب گلوله به شدت مجروح گشت و راهی بیمارستان شد.
به نظر می‌رسد هدف درخشش در ایجاد باشگاه مهرگان و تحریک و ترغیب معلمان به اعتصاب، رسیدن به مقام بالاتری مثل وزارت بود.
همان زمان هیئت حاکمه، به خصوص دستگاههای اطلاعاتی و تیمور بختیار، برای خشی کردن اقدامات درخشش به کمک عوامل خود درصدد ایجاد باشگاه دیگری بودند.
گویا با یکی از فرهنگیان یا سابقه به نام رضا معرفت هم در این مورد صحبت شد و امکاناتی هم در اختیار او قرار دادند.
اطلاعات شما در این مورد چیست؟

اشاره شما موجب شد تا توضیح بیشتری بدهم. می‌دانید که درخشش در سال ۱۳۷۱ در رشته تاریخ و جغرافیا لیسانس گرفت و پس از آن به‌عنوان دبیر در وزارت فرهنگ استخدام شد و در مدارس به تدریس تاریخ و جغرافی اشتغال داشت. همان طور که می‌دانید، اداره جامعه دانشسرای عالی به عهده هبیتی بود که اعضای آن با رای گیری تعیین می‌شدند. اعضای این هیئت اغلب از استادان یا دانش‌آموختگان دانشسرای عالی تشکیل می‌شد. به خاطر دارم دکتر هورفر، دکتر کنی، دکتر پارسا، دکتر جلالی، دکتر گونبلی، دکتر خانلری، دکتر خطیبی، دکتر معین، دکتر ذبیح‌الله صفا، احمد بیرشک، علی‌اصغر شمیم، سیدمحمد باخدا، محسن حداد، مدن پور، اکبر کوثری، طوسی، جهانگیر نفضلی و کاظم مزینی از جمله اعضای هیئت بودند. اعضای هیئت رئیسه جامعه دانشسرای عالی از میان خود شخصی را به‌عنوان رئیس جامعه برمی‌گزیدند. از اهم وظایف هیئت رئیسه جامعه‌دانشسرای عالی، ارائه‌طرح‌هایی در کمک به اولیاء وزارت فرهنگ در امور معلمان و همچنین اداره دانشسرای عالی بود. در سال ۱۳۷۵ که اوج فعالیت‌های حزب توده بود، فرهنگیان توده‌ای قصد داشتند ریاست این جامعه‌راقبضه کنند. به‌همین جهت با‌درخشش صحبت کردند تا او را به‌عنوان نماینده خود معرفی کنند. درخشش هم قول داده بود در صورتی که از او حمایت کنند با آنها همکاری نمایند. افرادی چون فدوه و طلایی کوشش کردند جلسه‌ای به منظور تعیین رئیس جامعه دانشسرای عالی تشکیل دهند. استادان و دانش‌آموختگان خوشنام دانشسرای عالی با آگاهی از نیت توده‌ایها از شرکت در آن جلسه جدا شدند.

۱- غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (جلد اول، چاپ سوم) (تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱)
۲- همان اثر، صفحه ۱۳۱
۳- ناصر نجعی، از سیدضیاء تا بازرگان جلد دوم، تهران: نویسنده، ۱۳۷۰) صص ۱۵۴۰ - ۱۵۲۹ (۱۵۳۸)

۴- روزنامه کیهان، دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۰ ۵۳۵۱
۵- باشگاه مهرگان - اولین جنبش پس از کودتای ۲۸ مرداد
آنچه می‌خوانید بخشی از گفت و گو با یکی از فرهنگیان با سابقه پیشین می‌باشد که ضمن بیان خاطرات خود از سوابق و تحولات وزارت فرهنگ به نقد سیاست‌های فرهنگی گذشته و عملکرد شماری از رجال موثر در عرصه فرهنگ پرداخته است.

در آستانه نخست وزیری دکتر علی امینی تظاهراتی به وسیله جمعی از معلمان و فرهنگیان در میدان بهارستان برپا شد که به قتل دکتر عبدالحسین خانعلی انجامید. ناراضیاتی و اعتصاب فرهنگیان از کجا شروع شد؟ و چطور شد محمد درخشش که تا آن زمان در ردیف کسانی نبود که بتواند پست وزارت فرهنگ را در اختیار بگیرد مطرح شد و به عنوان سرکرده فرهنگیان ناراضی به وزارت رسید؟

انتشار اخبار لایحه بودجه اعتراض بسیاری از فرهنگیان را برانگیخت. به موجب این لایحه که در جلسه روز یکشنبه دهم اردیبهشت ماه به وسیله دکتر جهانشاه صالح وزیر فرهنگ وقت تقدیم مجلس شد حداکثر حقوق آموزگاران ۱۰۶۰۰ ریال و حقوق مدیران ۱۴۵۰۰ ریال درنظر گرفته شده بود. انتشار خبر تقدیم این لایحه موجب ناراحتی فرهنگیان شد چون مبلغ درنظر گرفته شده کفاف نیازمندیهای آنان را نمی‌کرد. به همین جهت فرهنگیان ناراضی با راهنمایی محمد درخشش رئیس باشگاه‌مهرگان صبح روز سه‌شنبه دوازدهم اردیبهشت ماه در مقابل ساختمان مجلس شورای ملی اجتماع کردند. در صبح روز دوازدهم اردیبهشت نمایندگان هنگام ورود به مجلس با جمعیتی از فرهنگیان معترض مواجه شدند که هر لحظه بر تعداد آنان افزوده می‌شد.

جمعیت معترض در ابتدا آرام بود اما پس از

در آستانه نخست وزیری دکتر علی امینی تظاهراتی به وسیله جمعی از معلمان و فرهنگیان در میدان بهارستان برپا شد که به قتل دکتر عبدالحسین خانعلی انجامید

ورود نیروهای انتظامی به میدان بهارستان، آرامش این میدان به هم‌خوردواعترضات از تجمع آرام به درگیری بدل شد. نیروهای انتظامی در ابتدا برای مقابله بااین جمعیت متفرق ساختهاد آنان از اتومبیل‌های ای‌پاش استفاده کردند اما این اقدام نه تنها موثر واقع نشد بلکه هیجان و التهاب بیشتری به وجود آورد به طوری که پس از چند لحظه صدای گلوله در میدان بهارستان برخاست و حمله و گریز در بهارستان شروع شد. در این

بیشتر نبود، دست شاهپورها و خواهران شاه و دلالان خارجی از حفریات باستان‌شناسی قطع شد و اموال اوقافی از دست غارتگران خارج شد. اراده معلم با یک سیستم دمکراسی انتخاباتی در مدارس و اداره، حاکم بر سرنوشت فرهنگ گردید و حقوق فرهنگیان از صفره‌جویی و بودجه‌ای که به یغما می‌رفت، افزایش یافت.(۵)
پانوشت‌ها:

۱- غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (جلد اول، چاپ سوم) (تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱)
۲- همان اثر، صفحه ۱۳۱
۳- ناصر نجعی، از سیدضیاء تا بازرگان جلد دوم، تهران: نویسنده، ۱۳۷۰) صص ۱۵۴۰ - ۱۵۲۹ (۱۵۳۸)
۴- روزنامه کیهان، دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۰ ۵۳۵۱
۵- باشگاه مهرگان - اولین جنبش پس از کودتای ۲۸ مرداد

آنچه می‌خوانید بخشی از گفت و گو با یکی از فرهنگیان با سابقه پیشین می‌باشد که ضمن بیان خاطرات خود از سوابق و تحولات وزارت فرهنگ به نقد سیاست‌های فرهنگی گذشته و عملکرد شماری از رجال موثر در عرصه فرهنگ پرداخته است.

انتشار اخبار لایحه بودجه اعتراض بسیاری از فرهنگیان را برانگیخت. به موجب این لایحه که در جلسه روز یکشنبه دهم اردیبهشت ماه به وسیله دکتر جهانشاه صالح وزیر فرهنگ وقت تقدیم مجلس شد حداکثر حقوق آموزگاران ۱۰۶۰۰ ریال و حقوق مدیران ۱۴۵۰۰ ریال درنظر گرفته شده بود. انتشار خبر تقدیم این لایحه موجب ناراحتی فرهنگیان شد چون مبلغ درنظر گرفته شده کفاف نیازمندیهای آنان را نمی‌کرد. به همین جهت فرهنگیان ناراضی با راهنمایی محمد درخشش رئیس باشگاه‌مهرگان صبح روز سه‌شنبه دوازدهم اردیبهشت ماه در مقابل ساختمان مجلس شورای ملی اجتماع کردند. در صبح روز دوازدهم اردیبهشت نمایندگان هنگام ورود به مجلس با جمعیتی از فرهنگیان معترض مواجه شدند که هر لحظه بر تعداد آنان افزوده می‌شد.

جمعیت معترض در ابتدا آرام بود اما پس از

اگر می‌دانستیم که..

اگر می‌دانستیم که در زندان مسائل آموزش و پرورش گذشته‌ زندانی هستیم، هرگز ادعا نمی‌کردیم که برای آینده‌ای که نمی‌دانیم چیست، می‌خواهیم نسل تربیت کنیم.



دیدگاه

خطرات و خطرات (۳)

♦ حسین ربیع پور

یکی از برنامه‌های کانون صنفی معلمان ایران در سال گذشته

برپایی همایش‌های توجیهی و عضوگیری در مناطق مختلف تهران بود. با این برنامه یکی از مناطق جنوبی شهر تهران به‌عنوان

اولین منطقه برگزیده شد. پس از دو‌ماه رفت و آمد به منطقه‌ی مذکور و مذاکره با رئیس منطقه و پاسخ‌گویی به شبهاتی ازجمله ثابت کردن این مسئله که ما جناحی نیستیم و منطقی عمل می‌کنیم و قصد ضربه‌زدن به دولت آقای خاتمی را نداریم بلکه می‌خواهیم اصلاحات را که از شعارهای ایشان است از آموزش و پرورش آغاز کنیم، اعتمادسازی کردیم. بالاخره با نظر مساعد رئیس اداره، روزی مشخص شد تا جلسه‌ی مذکور در آن منطقه برگزار شود اما مشکلات زیادی تراشیده شد که مانع از برگزاری جلسه‌شود. بعد از دوندگی بسیار با درخواست از مدیر یکی از مدارس با موافقت ایشان مواجه شدیم. سپس اقدام به برپایی مقدمات جلسه‌ی مذکور کردیم اما این بار از طرف حراست منطقه بهانه‌گیری آغاز شد که مدارس حق برپایی چنین مراسمی را ندارند و ما اجازه نداریم و اجازه هم نمی‌دهیم. سرانجام دبیر کل کانون با تماسی که با حراست اداره‌ی کل آموزش و پرورش برقرار کردند اجازه‌ی برپایی چنین جلسه‌ای را دریافت کردند اما تا ساعت نه صبح همان روز مجوز به کانون داده نشد. هر چند از طرف کانون از دو روز قبل به تمام مدارس آن منطقه اعلام شد که در این

گردهمایی شرکت نمایند. بعد از دریافت مجوز حدود ۷۰ نفر از معلمان در این گروهمایی شرکت کردند و عضوگیری آغاز شد. از طرف حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی منطقه مأموری به جلسه فرستاده شد و ایشان پس از دیدن مجوز باز هم بهانه‌تراشی می‌کردند و چندین بار دبیرکل کانون را احضار کردند و متذکر شدند که این جلسه غیرقانونی است و باید هر چه سریع‌تر جمع شود.

نامبرده پس از یادداشت کردن نطق‌های دبیرکل به طرف دستشویی می‌رفتند و با بی‌سیم به مافوق خودشان گزارش می‌دان می‌دوباره به جلسه می‌آمدند و یادداشتهای بعدی و گزارش‌های بعدی را ارسال می‌کردند. تا این‌که سرانجام کاسه‌ی صبر آقای مامور لبریز شد و یکی از اعضای کانون را احضار کرد و گفت آقا زود جمعش کن یا می‌دانید تا الان لباس شخصی‌ها می‌خواستند برنامه‌ی شما را به هم‌بزنند ولی من اجازه ندادم، بعد پاسخ شنید: آقا جان معلم که زدن ندارد. بعد دوباره با لحن تندتری گفت: شما حتی نیامدید تقاضای ۴ دکت سرپاز کنید تا امنیت شما را تامین کنند مگر چه‌قدر می‌شد برای هر سرپاز ۵ هزار تومان می‌دادید و راحت بودید. باز جواب شنید معلم اگر پول داشت که این‌جا جمع نمی‌شد این‌ها همه به خاطر بی‌پولی و درد و رنج در این‌جا جمع شده‌اند.

نامبرده پس از یادداشت کردن نطق‌های دبیرکل به طرف دستشویی می‌رفتند و با بی‌سیم به مافوق خودشان گزارش می‌دان می‌دوباره به جلسه می‌آمدند و یادداشتهای بعدی و گزارش‌های بعدی را ارسال می‌کردند. تا این‌که سرانجام کاسه‌ی صبر آقای مامور لبریز شد و یکی از اعضای کانون را احضار کرد و گفت آقا زود جمعش کن یا می‌دانید تا الان لباس شخصی‌ها می‌خواستند برنامه‌ی شما را به هم‌بزنند ولی من اجازه ندادم، بعد پاسخ شنید: آقا جان معلم که زدن ندارد. بعد دوباره با لحن تندتری گفت: شما حتی نیامدید تقاضای ۴ دکت سرپاز کنید تا امنیت شما را تامین کنند مگر چه‌قدر می‌شد برای هر سرپاز ۵ هزار تومان می‌دادید و راحت بودید. باز جواب شنید معلم اگر پول داشت که این‌جا جمع نمی‌شد این‌ها همه به خاطر بی‌پولی و درد و رنج در این‌جا جمع شده‌اند.

هفته نامه قلم معلم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی صاحب امتیاز و مدیر مسول:

محمد خاکساری

اعضای شورای سیاست‌گذاری:

محمود بهشتی دبیر منطقه ۱۲تهران محمد خاکساری دبیر منطقه ۳تهران ثریا‌داریابی دبیر منطقه تهران محسن کمالی دبیر منطقه ۸تهران عباس معارفی دبیر بازنشسته تیمور منصوری دبیرمنطقه ۸تهران محمد حسین نوراللهی دبیر منطقه ۸ رضا نهضت دبیر منطقه ۱۵تهران

نشانی:تهران میدان سپاه، خیابان سپاه –کوچه زیبا –کوچه نوید قربانی بن بست صفا –پلاک ۵ –همکف غربی

کدپستی:۱۶۱۹۹۵۷۱۳

تلفن و دورنگار: ۷۶۳۰۴۲۴

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۳۵۴۳

سازمان آکھی‌ها:۰۹۱۱۲۰۹۰۲۹۳

صفحه آرایه‌ی: شرکت فراسونگران امروز

قابل توجه معلمان گرامی

برای اینکه نشریه شما (قلم معلم) بتواند استقلال خود را حفظ کرده . همچنان مدافع حقوق طبقه‌ی‌ایشاگر و مظلوم معلمان محترم باشد با مشترک شدن این نشریه ما را یاری فرمائید.

بدین منظور کافی است حداقل ۱۲۰۰ تومان برای مدت سه ماه و ۲۴۰۰ تومان برای مدت ۶ ماه به حساب شماره ۱۸۵۸ نزد بانک صادرات شعبه سپاه کد ۱۰۰۷ قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات واریز فرموده و رسید آن را به نشانی قلم معلم بفرستید.اشتراک به صورت گروهی هم امکان‌پذیر است.

برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۹۱۱۲۰۴۲۴ و یا تلفن همراه ۰۹۱۱۲۰۹۰۲۹۳ تماس بگیرید.

با احترام مجدد قلم معلم

فرم اشتراک

نشانی مشترک با ذکر کدپستی و نام شهرستان و شماره تلفن تماس

نام

نام خانوادگی.....

نشانی.....

تلفن تماس.....

کدپستی.....



از سایر شهرستان‌ها نماینده‌ی فعال فرهنگی می‌پذیریم.

یزد (محمدجواد حسامی فر) تلفن: ۶۲۷۷۸۷۸

ارومیه (محمدرضا نصیری) تلفن: ۰۹۱۳۴۴۱۸۲۶۸

کرمانشاه (محمد تولکی) تلفن: ۸۳۲۲۸۵۴

رشت (غلامحسین ذکری) تلفن: ۰۹۱۱۴۲۵۴۲۴

کرمان (هوشنگ بنی‌اسدی) تلفن: ۳۲۱۷۶۹۱

یاسوج (کرامت‌الله دادگر) تلفن: ۲۲۲۹۵۷۳

سندج (پیمان نودینیان) تلفن: ۲۲۵۰۳۲۷

زنجان (رضا قاسم‌پور) تلفن: ۰۹۱۲۲۴۱۹۳۴۱

آبادان (هوشنگ آربین مهر) تلفن: ۴۴۶۰۶۲۲

همدان (پیرتاج) تلفن: ۸۲۲۳۳۱۹

اراک (سجاد خاکساری) تلفن: ۰۹۱۳۲۰۷۳۵۰

مشهد(ترکمن چی)تلفن: ۸۶۸۰۳۰۵

تربت حیدریه (روحانی)تلفن: ۲۲۲۹۰۶۰

محللات (علی بخشی) تلفن:۳۲۲۷۳۲۱

دودهک دلیجان (مسعود یآوری) تلفن:۰۹۱۸۳۶۶۰۷۸۰